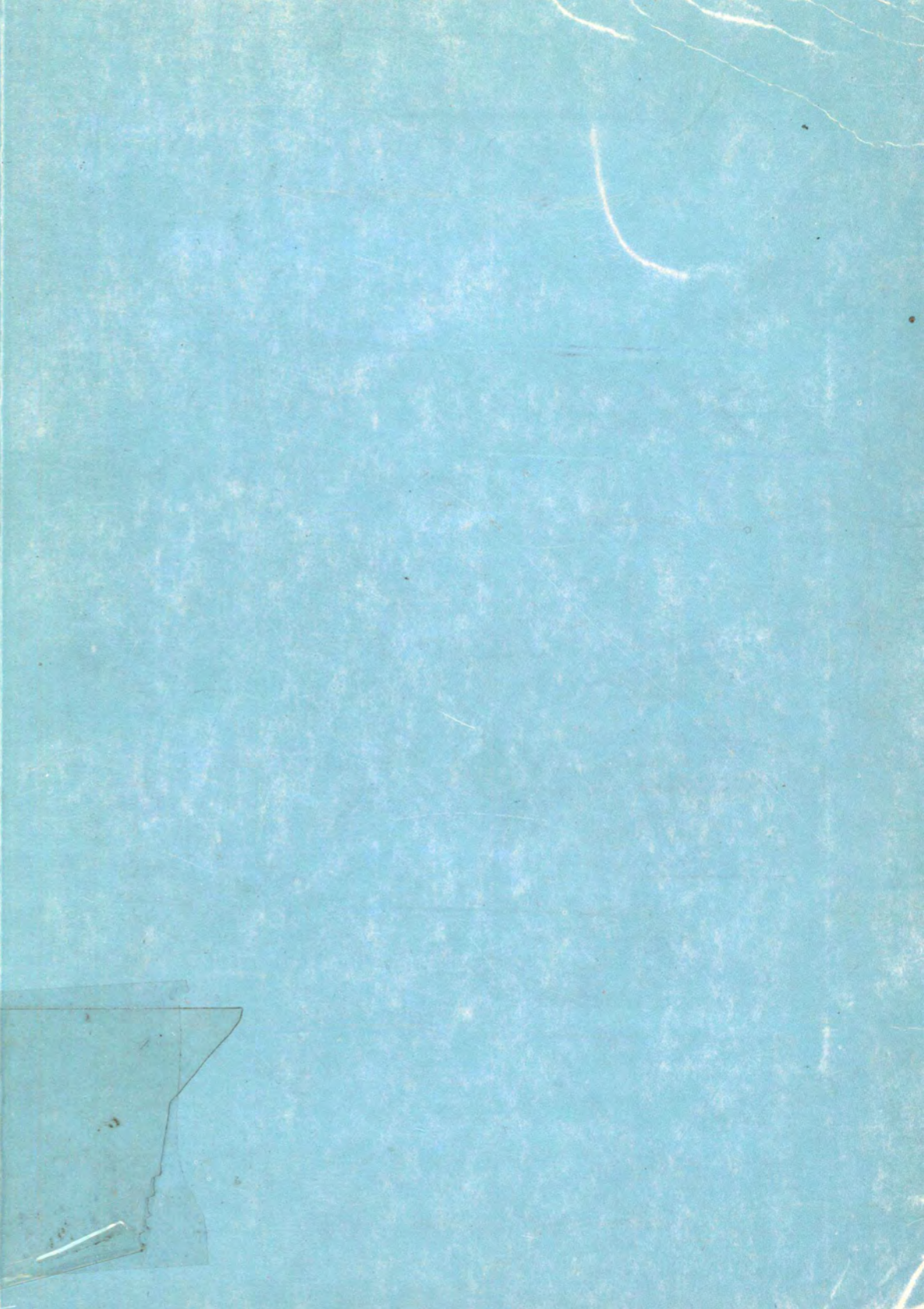


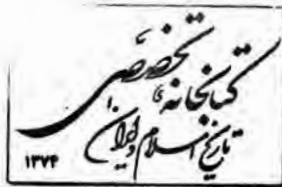


برگزیده بیانات
شاهنشاه آریامهر
درباره
آموزش و آموزش عالی





برگزیده بیانات
شاهنشاه آریامهر
درباره
آموزش
و
آموزش عالی



از انتشارات دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه

پیشگفتار

در سراسر کشور، تلاشی عظیم و پرشکوه برای بزرگداشت جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران بچشم می‌خورد؛ تلاش و کوشش همه جانبه ایرانیان پاکدل در جهت نمایاندن جلال و ابهت این جشن بزرگ، نمودار حقیقتی روشن و مسلم و گویای این نکته است که ایرانی به عظمت شئون و موارث گرانبهای نیاکان خود ارج می‌نهد و بدان مباهات می‌کند، ملتی بزرگ و کهنسال، ملتی سرفراز که در نتیجه ۲۵ قرن تلاش تمدن شکوهمندی که هنوز انوار تابناک آن چشمها را خیره می‌سازد بوجود آورده است.

برای بزرگداشت بانیان این فرهنگ و تمدن اصیل و درخشان و بی‌پاس تجلیل از فداکاریهای شاهنشاهان با فرو جاہ، دانشمندان و سخنسرایان گرانمایه و عالیقدر، قهرمانان بلند همت و رادمردانی که در راه عظمت میهن پرافتخار ما جانبازی کرده و گنجینه‌های پر ارج و فناپذیری از هنر و ادب و دانش و فرهنگ برای ما به ودیعه نهاده‌اند، ملت ایران جشن می‌گیرد، جشنی بس عظیم و باشکوه که خاطره جلال و شوکت آن بیگمان قرنهای متمادی بردلها باقی خواهد ماند و همانند تمدن دیرپای این سرزمین، خود حماسه جاویدان دیگری به وجود خواهد آورد...

شکوه جهانی جشن دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران و عظمت و اصالت تاریخ و تمدن و فرهنگی که این جشن از آن

سرچشمه گرفته است ، مراسم جشن شاهنشاهی را از صورت يك بزرگداشت ملی بیرون آورده و بدان جنبه يك تجلیل بیسابقه جهانی از ارزشهای مدنی و فرهنگی ایران داده است .

از برکت برگزاری این جشن بزرگ ، ملت ایران ناظر تحقق آرمانهای ملی و طرحهای عمرانی و اصلاحی بزرگ دیگری است که تأسیس ۲۵۰۰ باب دبستان در نقاط مختلف کشور ، افتتاح استادیوم یکصد هزار نفری ، احداث ساختمان شهیاد آریامهر و میدان وسیع آن که درحقیقت ازبزرگترین میدانهای موجود جهان ، گوی سبقت خواهد ربود ، ایجاد کودکستانها ، پرورشگاهها ، بیمارستانها ، باشگاهها ، میدانهای ورزشی ، سالنهای اجتماعات و سخنرانی و سایر تأسیسات فرهنگی ، تربیتی ، بهداشتی ، اقتصادی ، کشاورزی ، دامپروری و اجتماعی را میتوان جزئی از موفقیتهای حاصله دراین زمینه بشمارآورد ؛ اینک به پیروی از این احساس و اعتقاد مقدس که ملت ایران ، شاهنشاه خود راسبیل ملیت و کانون آرمانهای ملی می داند و هر يك از افراد این ملت خود را موظف به احیاء سنن ملی و تجلیل از خدمات پیشینیان و خدمتگزاران فداکار این آب و خاك می شمرند ، اعضاء هیأت آموزشی و اداری و دانشجویان رشته های مختلف دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه به پیروی از نیات عالیة رهبر عظیم الشان خود در این جشن بزرگ ملی ، سهمی داشته باشند ، به جمع آوری برگزیده بیانات شاهنشاه آریامهر درباره مسائل فرهنگی و آموزش عالی پرداخته و آن را در دسترس عامه ملت فرهنگ دوست ایران قرار میدهند .

علاقه فراوان شاهنشاه آریامهر به امور مربوط به آموزش و پرورش و پیشرفتهای علمی و تحقیقاتی کشور و شرکت موثر معظم له در

کنفرانسها و سمینارها و مجامع فرهنگی و اوامر مؤکدی که همواره در مورد بسط دانش و تعمیم فرهنگ و مخصوصاً مبارزه جهانی با بیسوادی و تحقق هدفهای انقلاب آموزش عالی صادر می‌فرمایند، خود مضامین بکر و بدیعی بوجود آورده که به تنهایی میتواند موضوع چندین کتاب مفصل و مجموعه گنجینه‌های ارزنده فرهنگی قرار گیرد، بهین سبب دو نفر از اعضاء کمیته جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران در دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه مأمور شدند بیانات شاهنشاه آریامهر، مخصوصاً آنچه را که مستقیماً به مسائل دانشگاهی و انقلاب آموزش عالی مربوط می‌گردد جمع-آوری و منتشر کنند.

امیدوار است این مختصر بعنوان نمونه‌ای از علایق معنوی دانشجویان کشور کهنسال ایران و ایمان راسخ آنان به رهبری خردمندانه پیشوای بلند پایه خود که در عین حفظ سنن پرافتخار میهن عزیز ما الهام بخش عالیترین مدارج ترقی و عظمت می‌باشند، برای همیشه بیادگار باقی بماند.

رئیس دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه

جعفر راثی

تاریخچه فرهنگ و آموزش عالی در ایران از دوران باستان تا دوران انقلاب شاه و ملت

از نخستین روزی که انسان در جستجوی اولین جوانه‌های فرهنگ و تمدن بشر در کاوش گذشته‌ها به تلاشی دورودراز پرداخت، بی‌اختیار نگاهش متوجه شرق شد. در این قسمت از جهان و در شمال خلیج فارس، فلاتی پهناور با تپه‌های سرسبز و رودخانه‌های پرآب توجه محققان و اندیشمندان را به خود معطوف داشت، اینجاسرزمینی بود کرانه ناپیدا، که در هر گوشه آن زیبایی، عظمت و افتخار نهفته بود، گنجینه‌ای بود تمام نشدنی، که تلالو یکی از گوهرهای گرانبهای آن برای پرتو افشانی به دنیائی بسنده بود

اینجا ایران بود، سرزمین نژاد آریا، سرزمین مردان واسبان خوب، سرزمینی که بنیانگذار آن از آغاز، آنرا از دروغ، از بیعدالتی، از نامردمی برحذر داشته و اخلاف اونیز که وارث فرهنگ و تمدنی تابناک و واجد عالیترین خصایل انسانی بودند، سرزمین خود را از گزند روزگار، از فراز و نشیبها، از تهاجمات و یورشها محفوظ داشته‌اند تا بارورتر و سربلندتر از عصر خویش بدست آیندگان بپارند.

ستونهای بلند و سربلک کشیده تخت جمشید برای جهانگردانی که از آن سوی دنیا، بدیدار سرزمین گرانقدر ما می‌آیند، سخن

از ملتی سربلند و سرفراز می‌گوید که تمدن خود را بسان این ستونهای استوار در پهنه زمین و طول زمان برافراشته است. و خطوط میخی برصخره‌های مستحکم، جاودانگی ملتی را که برای همیشه بر سنگ حک شده است به اثبات میرساند.

شاید اولین پیشاهنگان مغرب زمین که میهن خود را پیشرفته-ترین ممالک دنیا می‌دانستند، وقتی تمدنی این‌چنین بارور و سرزمینی با این مزایا و فرهنگ درخشان می‌دیدند، جز شگفتی و حیرت عکس‌العملی نداشتند. اما این حیرت خیلی زود جای خود را به تحسین و ستایش داد و چنین بود که همه مورخان و محققان متوجه ایران شدند.

اینان احساس کردند تاریخ هیچ کشور و هیچ تمدنی رانمیوان نگاشت، مگر اینکه نخست ریشه‌های اساسی آنرا در مشرق زمین و در ایران باستانی، ایران جاودانه بجویند؛ چرا که تنها پس از آشنائی با تاریخ و تمدن ایران بود که در می‌یافتند، عالیترین جلوه‌های تمدن و فرهنگ منبعث از اندیشه‌ای عالی و نبوغ‌آسائی است که در روزگارانی بسیار دور بر دنیائی پرتو افکن شد که هنوز اکثریت قاطع اقوام آن در توحش و بربریت بسر می‌بردند. تنها پس از کشف استوانه معروف لوحه فتح بابل بود که این محققان دانستند کوروش بزرگ در چه دورانی منادی انسانیت و دفاع از حقوق بشر بوده است.

به راستی کدام سرزمین و ملت دیگری وجود دارد که در پهنه گیتی تاب‌دین پایه مورد توجه و علاقه محققان و دانشمندان و شیفتگان علم و ادب قرار گرفته و تا بدین حد در موزه‌ها، در دانشگاه‌ها، در مراکز علمی و فرهنگی جهان، آثاری ارزنده و گرانبها بجای

نهاده باشد. «۱» حال باید دید این فرهنگ و تمدن درخشان که جهانی را دچار شگفتی و اعجاب ساخته است چه سان بوجود آمده و سیر تکاملی آن چگونه بوده و نیاکان پرافتخار ما برای برخورداری از فرهنگی برتر و تمدنی شکوفاتر چه شیوه‌هایی را برای آموزش و پرورش اطفال و جوانان بکار می‌بسته‌اند.

آموزش عالی در طول ۲۵۰۰ سال «از کورش کبیر تا شاهنشاه آریامهر»

بر طبق مندرجات اوستا و به استناد مدارك و شواهد و آثار دیگری که از دوران هخامنشیان و ساسانیان بجا مانده ، ایرانیان قدیم به تربیت جوانان خود کمال اهتمام را مبذول می‌داشته‌اند ؛ بویژه پرورش ملکات اخلاقی و تقویت نیروی جسمانی را توأمآ مورد توجه قرار می‌داده‌اند.

هدفهائی که هادی تربیت مردم ایران باستان بود ، مشتمل بر مضامین عالی اخلاقی و دینی بوده که شعارهائی نظیر : گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک نشانی از این هدفهاست ؛ ستایش راستی یکی از مضامین عمده اوستا و اتصاف به راستی ، از مقاصد اصلی و اساسی تربیت در ایران باستان بوده است .

در «یسنا» که جزئی از اوستا می‌باشد چنین آمده : «ای اهورامزدا ، باندیشه نیک و کردار درست و ایمان کامل می‌خواهیم به تو تقرب بجوئیم و به تو برسیم»^۲...

به گفته هرودوت ایرانیان سه چیز را به فرزندان خود می‌آموختند : سواری ، تیراندازی ، راستگوئی .

اهمیت راستگوئی از کتیبه داریوش در بیستون پیداست که می‌گوید :

«اهورامزدا و ایزدان دیگر از آن جهت مرا یاری کردند که من و دودمانم ، بددل و دروغگوی و بی انصاف نبودیم ؛ من موافق حق و داد پادشاهی کردم. هیچ بنده‌ای را نیازردم و بر هیچ ضعیفی ستم روا نداشتم...»

در دوره هخامنشی ، بیشتر تربیت اخلاقی و بدنی مورد نظر بوده است و این نکته از شرح دلاوریهای سرداران ایرانی در جنگها و خصال سردارانی چون کوروش کبیر آشکار است. براساس تعالیم زرتشت ، ایرانیان سلطنت شاهنشاه را از جانب اهورامزدا و اراده او را اراده خدائی می‌پنداشتند .

خط دوران هخامنشی که کتیبه‌های کوروش و داریوش بدان نوشته شده خط میخی پارسی است که از چپ به راست نوشته می‌شد و دارای ۴۲ علامت بود. زبان پارسی قدیم که در دوره هخامنشی متداول بود با زبان اوستائی از یک ریشه است. در دوره اشکانی گوا اینکه از وضع تعلیمات عالیه در این دوره اطلاعات کافی و موثقی در دست نیست ولی نظر به اشاراتی که به حکمت مغان و حکمت خسروانی و همچنین اخباری که درباره تألیف و تدوین کتب دردوره اشکانیان و برخی از علما و حکماء آن زمان داریم^(۲) باید بروج تعلیمات عالیه در آن ایام و وجود مراکزی برای بسط و توسعه علوم معتقد باشیم . بطور کلی از قرائن چنین بر می‌آید که : در این دوره نیز مانند دوران هخامنشی شیوه پهلوانی و آزادگی در تربیت بزرگزادگان و اولاد اشراف ادامه داشته است.

مذهب ایرانیان در این دوره زرتشتی بوده و بعلاوه پرستش آفتاب و ماه نیز در بین اشکانیان معمول بوده است. مهر به گمان

اشکانیان نگهبان خانواده شاهی بود. طبقه روحانیان «مغان» نفوذ زیادی داشتند ولی کارشان تنها منحصر به امور دینی نبود و بسیاری از مغان، پزشک، معلم، منجم و سالنامه‌نگار هم بودند.

زبان اشکانیان پهلوی بود و در بین نجبا و شاهزادگان زبان یونانی نیز رواج داشته است. خط اشکانیان خط آرامی بوده و در عین حال خط میخی نیز تا حدودی معمول بوده و بعضی از طبقات کم و بیش از خط یونانی نیز استفاده می‌کردند.

دوره ساسانیان: در دوران ساسانیان برای تعلیم و تربیت جوانان و پیشبرد تعلیمات عالی از مراکز دینی زرتشتی و عیسوی و امثال آن استفاده می‌شد. برای تعلیم پزشکی از بیمارستانها استفاده می‌کردند. در شهرهای عراق و خوزستان، در مداین و بلاد جنوبی مخصوصاً در شهرهای شیراز و ریشهر و شهرهای مرکزی و شرقی (خاصه مرو و سمرقند) از کلیساهای نسطوری برای تعلیم علوم عالی استفاده می‌شد و در غالب آنها، تدریس منطق ارسطو، فلسفه مشائیان، طبیعیات و نجوم معمول بوده است^(۱)

از جمله مراکز تعلیمات عالی در دوره ساسانیان شهر «ریو اردشیر» یا «ریشهر» از قصبات ناحیه ارجان بوده که دانشمندی معروف بنام: معانای ایرانی Maana de Perse ریاست این مرکز را بعهده داشته و تألیفات او در بلاد دوردست و حتی در هندوستان نیز شهرت داشته است.

یکی دیگر از مراکز بسیار مهم علمی گندی شاپور یا «وه‌اندیو شاهپور» یعنی «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» است که بنای آنرا به شاپور اول (۲۴۱ - ۲۷۱ میلادی) نسبت داده‌اند. این شهر بزودی

بصورت یکی از مهمترین مراکز علمی درآمد و مخصوصاً علم طب در آن رواج گرفت و یکی از عظیمترین مراکز تجمع علمای مسیحی و محل تعلیم طب یونانی و آمیزش آن با طب ایرانی و هندی گردید. چنانچه دانشمندان سریانی زبان ایرانی و علمای هندی و زرتشتی در آنجا مشغول کار شدند. توجه این علما کمتر به فلسفه و ریاضیات و بیشتر به طب معطوف بود. شهرت بیمارستان و مدرسه طب گندیشاپور دانشجویان ملل مجاور را هم بدانجا جلب می کرد. از آنجمله است الحارث بن کلدۀ اثعفی طبیب معروف عرب. از اواسط قرن دوم هجری عده ای از معلمان مشهور آن مانند خاندان بختیشوع و خاندان ماسویه و شاپور بن سهل و عیسی ابن صهاربخت (چهار بخت) و امثال آن به بغداد انتقال یافتند و حوزه های علمی خود را در آن شهر دایر کردند.

تعلیمات عالی‌ه در ایران بعد از اسلام

باتوجه به کوششی که ساسانیان در طول مدتی بیش از ۴۰۰ سال در زمینه نشر فرهنگ و آداب و رسوم خالص ایرانی بکار برده بودند، مبانی ایرانیت چنان در فکر مردم رسوخ یافته بود که بعد از غلبه اعراب به آسانی آنرا از دست نمی‌دادند. چنانکه در سه چهارم قرن اول هجری هنوز مراکز برای علوم در میان ایرانیان از خوزستان گرفته تا خراسان و ماوراءالنهر وجود داشت و همین مراکز است که بعد از رواج اسلام در استخدام تمدن اسلامی درآمد و بنام اسلام مشهور شد ولی در تمدن اسلامی هیچگاه برای موضوعات عقلی که آنرا «علوم اوایل» نیز می‌گفتند به ایجاد مدرسه و محل تعلیم اقدامی نشد و فقط بنا به رسم ایرانیان قدیم، بیمارستانها و رصدخانه‌ها محل تعلیم علم طب و ریاضیات بود و مدرسه که به وفور ایجاد می‌شد به تعلیم علوم شرعی و زبان عرب اختصاص داشته است...

ایرانیان در ایجاد مدارس بر همه ملل اسلامی تقدم دارند و در این مورد از قرن چهارم هجری شروع به کار کردند. قبل از ایجاد نظامیه‌ها بوسیله نظام‌الملک طوسی مدارس موجود تشکیلات وسیعی نداشتند ولی از دوره ایجاد نظامیه بغداد، مدارس دارای تشکیلات وسیع و انتظامات قابل توجهی از قبیل: وظایف استادان، شاگردان،

و خادمان و شعبه‌هایی مانند: کتابخانه‌ها، دارالشفاءها و مستمری برای معلمان و طالبان علم و خدام و کارکنان دیگر گشتند.

نظامیه بغداد در شمار بزرگترین مدارس اسلامی بود که گروهی از بزرگترین دانشمندان ایرانی مانند: ابواسحق شیرازی و امام محمد غزالی در این مدرسه تدریس می‌کردند^(۱). درباره اهمیت این مدرسه همین بس که یکی از معروفترین شاعران ایران یعنی سعدی شیرازی در همین مدرسه تعلیم یافته است. بنای این مدرسه بزرگ در سال ۴۵۹ هجری پایان پذیرفته است. نظام‌الملک مدارس دیگری بنام نظامیه در: نیشابور، بصره، اصفهان، بلخ و هرات تأسیس کرد^(۲) تا جائیکه شهرهای معروف ماوراءالنهر، خراسان و عراق در قرنهای پنجم و ششم یعنی پیش از حمله مغول از بزرگترین مراکز علمی و ادبی و مذهبی بشمار می‌رفتند. اما با کمال تأسف پس از حمله چنگیز (۶۱۶ هجری) اغلب مراکز علمی، مدارس، کتابخانه‌ها و مجالس درسی از بین رفت و چنان ضربه شدید و هولناکی به فرهنگ و تمدن ایران وارد آمد که آثار آن حتی تا پس از یک قرن و نیم بچشم می‌خورد، اما بعدها بهمت بزرگان و دانش‌پژوهان ایران کم و بیش مدارس و کتابخانه‌هایی ایجاد شد و متدرجاً فرهنگ و تمدن ایران در روحیه بازماندگان چنگیز تأثیر بخشید تا جائیکه غازان‌خان پادشاه ایلخانی ایران مدرسی در چند شهر ایران تأسیس کرد؛ یکی از مهمترین مدرسی که در دوره مغول ایجاد شده مدرسه رکنیه یزد می‌باشد و چون ساختمان آن از بدایع معماری و کارهای فنی آن زمان بوده دروغ است که یادی از آن نشود.

۱ - تاریخ تعلیم و تربیت در ایران - ذبیح‌اله صفا

۲ - تجارت السلف . چاپ تهران

ساختمان مدرسه «رکنیه» دارای دو منار بود که بريك مناره مرغی از مس ساخته بودند بنحویکه آفتاب از هر طرف میتافت ، آن مرغ رو به آفتاب می‌داشت ، در مناره دیگر مرغی هنگام پنج نوبت که در هر نوبت طبلی می‌نواختند برمی‌آمد و در میان رصد چرخى چوبین و منقش تعبیه شده و به ۳۶۰ قسمت منقسم شده بود. این ۳۶۰ قسمت نشانه ۳۶۰ درجه بود و هر روز که آفتاب برمی‌آمد در یکی از این درجات به حروف ابجد نموده می‌شد. بر چهار گوشه چرخ چهار دایره رسم کرده و در هر دایره سی خانه کشیده و نام ماههای ترکی و رومی و جلالی یعنی نامهای شمسی ایرانی را در آن نوشته بودند و هر روز که می‌گذشت يك خانه از آن دایره سیاه می‌گشت. برای تعیین ساعات روز تدبیر دیگری اندیشیده بودند، بدینمعنی که از دو درجه بالای چرخ دو مرغ سر بیرون می‌آوردند و مهره روئینی در طاسی که زیر آن نهاده بودند می‌افکندند و چرخ در گردش می‌آمد و از آن ۱۲ تخته سفید که نشان ۱۲ ساعت بود هر ساعت یکی می‌افتاد و تخته‌پی سیاه بجای آن می‌آمد. برای تعیین ساعات شب نیز راهی نظیر آنچه گذشت اندیشیده بودند بدین طریق که برابر صفحه مذکور صفحه دیگری با ۱۲ چراغ وجود داشت که با گذشت هر ساعت یکی از آنها خاموش می‌شد. گذشته از این برای تعیین روزهای ماه و بروج و منازل قمر و امثال اینها نیز اسباب خاصی تعبیه شده بود و بر رویهم این اثر علمی و فنی یکی از آثار مهم شمرده می‌شد و نشان می‌داد که ایرانیان مقارن حمله مغول به کدام درجه از ترقیات فنی رسیده بودند و بر اثر حمله ویرانکارانه مغول چگونه آن همه تمدن و ترقی با آتش کشیده شد.

کار ایجاد این رصدخانه در سال ۷۲۵ هجری پایان یافته بود.

بطور کلی حمله مغول تأثیر نامطلوبی در فرهنگ و تمدن ما بجای گذاشت و با حمله تیمور لنگ طبعاً انحطاط بیشتری در تمدن ایران مشهود شد و این وضع تا تشکیل دولت صفوی همچنان ادامه داشت .

با اینحال برای روشن شدن هرچه بیشتر وضع فرهنگ و تعلیمات عالی در دوره‌های بعد از اسلام بایناسبت نیست بطور اجمال علاوه نماید که از دوران فطرت (سلطه تازیان) تا دوره صفویان به ترتیب: طاهریان (۱۹۸ - ۲۵۱ هجری شمسی) ، صفاریان (۲۴۵ - ۲۸۶ هجری شمسی) ، سامانیان (۲۵۲ - ۳۷۷ هجری شمسی) ، زیاریان و دیلمیان (۳۰۶ - ۳۷۶ هجری شمسی) گامهایی در راه اعتلاء فرهنگ و بسط زبان و ادبیات برداشتند که در این میان بیش از همه در دوره سامانیان علوم و ادبیات تکامل یافت و دانشمندان و سخنسرایانی چون رودکی ، دقیقی ، ابوشکور بلخی و زکریای رازی در آسمان دانش و ادب ایران پرتو افشانی کردند .

در دوره غزنویان (۳۴۰ - ۴۴۵ هجری شمسی) ، سلجوقیان (۴۱۸ - ۵۰۶ هجری شمسی) ، اتابکان و خوارزمشاهیان (۴۸۵ - ۶۰۸ هجری شمسی) و بالاخره ایلخانیان ، جلایریان ، مظفریان و تیموریان ، توجه بیشتری به نشر علوم و ادبیات معطوف شد و گویندگانی چون فردوسی ۳۲۹ - ۴۱۱ ه . ق و سعدی سخن پارسی را به اوج فصاحت و بلاغت رسانیدند دانشمندان بزرگی چون : بیرونی ، ابن سینا ، مجوسی و ابوعلی مسکویه در روزگاری که ملل اروپائی هنوز گام ارزنده‌ای در جهت پیشرفت دانش و فرهنگ برنداشته بودند ، کتابهای علمی سودمندی نظیر : التفهیم در هندسه و حساب و هیئات و نجوم ، قانون در طب ، شفا

در حکمت برشته تحریر در آوردند که تا این اواخر در بزرگترین دانشگاههای جهان مورد مطالعه و استفاده استادان و دانش‌پژوهان قرار می‌گرفته است.

بحکم همین شواهد و آثار، نیک می‌توان دریافت مؤسسات آموزش عالی در آن روزگار چه وضعی داشته و حوزه‌های علمی و مدارس که امثال رودکی، رازی، فردوسی، سعدی، خیام، ابن‌سینا و بیرونی را در دامان خود پرورش داده‌اند از چه مزایائی برخوردار بوده و به چه پایه از ترقی و تکامل رسیده بودند.

در دوران سلاطین صفوی (۸۸۰ - ۱۱۰۹ هجری شمسی) که دوره تجدید حکومت مرکزی در ایران بود و علماء و دانشمندان به تدوین و تألیف کتابها و نشر علوم و ادبیات تشویق می‌شدند، همچنین در عهد افشاریه و زندیه مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایران تأسیس شد و بازار علم و ادب رواج فراوان یافت. در این دوره صنایع ظریفه بویژه فن معماری، نقاشی، کاشیکاری به اوج ترقی رسید که بناهای باشکوه دوران صفوی خاصه کاشیکاریهای زیبا و نقوش رنگی برجسته و مقرنس کاریهای نفیس آن هنوز مایه شگفتی و اعجاب است.

در دوران سلطنت رضاشاه کبیر (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ هجری شمسی) تحول شگرفی در شئون فرهنگی کشور ایجاد شد و علاوه بر تاسیسات مختلف فرهنگی که در اقصی نقاط کشور دایر گردید طرح تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دانشکده‌های تابعه آن که ابتدا شامل ۶ دانشکده بود به ۱۲ دانشکده مشتمل بر دانشکده‌های: ادبیات، پزشکی، دارو-سازی، دندانپزشکی، حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، کشاورزی،

علوم، فنی، هنرهای زیبا، معقول و منقول، دامپزشکی و دانشسرای عالی افزایش یافت و همچنین دانشکده‌ها و آموزشگاههای عالی دیگر تأسیس گردید.

در دوران سلطنت اعلیحضرت محمد رضا پهلوی، آریامهر، شاهنشاه ایران تأسیسات و مراکز علمی جدیدی در دانشگاه تهران دایر شد و دانشگاهها و دانشکده‌های دیگری در تهران و مراکز استانها افتتاح گردید که بطور خلاصه تعداد دانشگاهها و دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف و مؤسسات آموزش عالی کشور (علاوه بر دانشکده‌ها و آموزشگاههای اختصاصی) در سال ۱۳۵۰ به این شرح می‌باشد^(۱).

- ۱ - دانشگاه تهران شامل ۲۹ دانشکده و رشته اصلی
- ۲ - دانشگاه صنعتی آریامهر تهران شامل ۸ دانشکده و رشته اصلی.
- ۳ - دانشکده پلی‌تکنیک تهران شامل ۵ رشته اصلی.
- ۴ - دانشسرای عالی تهران شامل ۹ رشته اصلی.
- ۵ - دانشگاه ملی ایران شامل ۱۱ دانشکده و رشته اصلی
- ۶ - مدرسه عالی بازرگانی تهران شامل ۳ رشته اصلی
- ۷ - موسسه آموزش عالی آمار (تهران) شامل ۱ رشته اصلی
- ۸ - هنرسرای عالی نارمک شامل ۱۱ رشته اصلی
- ۹ - دانشگاه اصفهان شامل ۱۹ دانشکده و رشته اصلی
- ۱۰ - دانشگاه پهلوی شامل ۲۸ دانشکده و رشته اصلی
- ۱۱ - دانشگاه تبریز شامل ۳۰ دانشکده و رشته اصلی

۱ - آمار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از راهنمای مسابقات ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی (سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰) استخراج شده است.

۱۲ - دانشگاه جندی شاپور شامل ۱۴ دانشکده و رشته اصلی

۱۳ - دانشگاه مشهد شامل ۱۴ دانشکده و رشته اصلی

۱۴ - دانشکده کشاورزی رضائیه شامل ۴ رشته اصلی

این آمار بخوبی نشانگر موفقیتها و پیشرفتهای حاصله در زمینه تأسیس دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی درسالهای اخیر میباشد. توسعه کسی و کیفی دانشکدهها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور برای هر ایرانی مایه امیدواری و سرفرازی است ولی بحکم آنکه دانشگاهها مستقیماً در پیشرفت کشور و تحقق هدفهای ملی نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کنند، شاهنشاه آریامهر برای ساختن آینده‌ای هرچه شکوفاتر و مخصوصاً تأمین سعادت جوانان کشور، اصل دوازدهم انقلاب سفید، یعنی انقلاب اداری و آموزشی را بر اصول انقلاب ایران افزودند، و بدنبال آن درپیشگاه مبارکشان کنفرانس رامسر در مردادماه ۱۳۴۷ تشکیل و منشور انقلاب آموزشی تدوین شد.

انقلاب آموزشی

آموزش عالی پس از انقلاب

مرداد ۱۳۴۷ - مرداد ۱۳۵۰

قبل از مرداد ۱۳۴۷ علی‌رغم فعالیت‌های معموله در جهت توسعه‌ی کسی‌دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور و با وجود توجه زیادی که بامور فرهنگی مبذول می‌گردید تضاد و ناهماهنگی محسوسی در مجموعه فعالیت‌های دانشگاهی بچشم می‌خورد. اختلاف عقاید و سلیقه‌ها و نظرات خصوصی، نوعی آشفتگی و نارضایتی، در محیط علم و تحقیق ایجاد کرده بود.

دانشجو در تعیین مقدرات خود سهم مؤثری نداشت و آراء و عقایدش کمتر به حساب می‌آمد، برر و کراسی حاد و مزمن دانشگاهی، دانشجو را در گیر و دار مسائل اداری سرگردان می‌ساخت، سیستم‌های کهنه و نامطلوب تدریس روح بی‌اعتقادی و ناباوری در وی می‌کاشت. امور تحقیقاتی دچار وقفه و رکود شده بود. نوع تحقیقات متناسب با نیازمندی‌های کشور نبود و متدرجاً از مسیر اصلی خود منحرف می‌شد، محققان ارزنده دلسرد و نومید می‌شدند و جوانان پرشور و دانشمند، در گوشه و کنار تکاپویی آرام داشتند. این وضع در کشوری که بر اثر اجرای مواد ۱۲ گانه منشور انقلاب ملی، بسرعت مدارج ترقی و تکامل را می‌پیمود و چکیده افکار و اندیشه‌های تابناک پیشوای خردمند و عالیقدر آن، ارزش جهانی داشت،

بهیچوجه قابل تحمل نبود و جای آن داشت که تغییرات اساسی و سریع و جدی، در سیستم آموزشی، مدیریت دانشگاهها و شرایط کار ایجاد شود و محیط دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی با هدفهای انقلاب آموزشی که آخرین اصل انقلاب ایرانست، منطبق شوند. بحکم این ضرورت و برای بالا بردن محصولات کمی و کیفی دانشگاهها پرورش جوانانی که با آزموده‌ترین مغزهای درخشان عصر خود برابری کنند و نقش ملی و احیانا وظیفه بشری و جهانی خود را بخوبی انجام دهند، روز سه‌شنبه ۱۵ مردادماه ۱۳۴۷، اولین جلسه کنفرانس انقلاب آموزشی در پیشگاه مبارکشاهنشاه آریامهر تشکیل شد و بدنبال دو روز بحث و مذاکره و تعیین کمیته‌ها و سوب کمیته‌های مختلف سرانجام قطعنامه کنفرانس رامسر در ۴۳ ماده همراه با ضمیمه‌ای تحت عنوان (سند شماره ۴) ساعت ۱ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۷ مردادماه ۴۷ انتشار یافت.

این قطعنامه برای فرهنگدوستان و دانش پژوهان و جوانان و محققان دانشمند بمنزله نویدی شادی آفرین بود و مردمی که امید داشتند شالوده تعلیمات فرسوده مملکتی دگرگون شود با منشوری نو و از هر جهت انقلابی روبرو گشتند؛ مقدمه قطعنامه چنین است:

«دانشگاهها و مراکز عالی علمی و تحقیقاتی ایران در سالهای اخیر به ترقیات چشمگیری نایل شده و درحالیکه تاسی و چندسال پیش حتی برای يك فرد ایرانی امکان نداشت در داخل کشور به تحصیلات عالی پردازد، در سالی که در پیش است «۱۳۴۸» در حدود ۵۰ هزار دانشجو در مؤسسات آموزش عالی ایران مشغول تحصیل خواهند بود، اما این گسترش سریع و بیسابقه خود اینک

ما را با تضادها و مشکلاتی روبرو کرده است؛ رفع آن با دیدی نو و روشهایی انقلابی نهایت اهمیت را در پیشرفت هدفهای ملی ما حائز است؛ هدف از انقلاب آموزشی که بفرمان شاهنشاه آریامهر باید در موسسات آموزش عالی و مراکز علمی و تحقیقاتی روی دهد در وهله اول آنست که وسایل تربیت و رشد کلیه افراد و طبقات ملت ایران بطور همه جانبه فراهم گردد، تا دردنیای آینده سرنوشت ملت ما در دست انسانهایی رشید و کامل قرار گیرد، انسانهایی که نه تنها بارموز دانش فردا همراز باشند بلکه بتوانند با آگاهی تمام از فرهنگ باستانی درخشان خویش، پیشرفتهای سریع علم و فن را همواره در خدمت ارزشهای بزرگ انسانی قرار دهند.»

دیدگاه منشور

نخستین قسمت منشور (مواد ۱ تا ۱۲) مبین اصول و هدفهای انقلاب آموزشی است؛ در این بخش ضمن اشاره به قسمتی از بیانات شاهنشاه آریامهر در مورد انقلاب آموزشی در مهر ماه ۴۶ مبنی براینکه: «هدف اساسی از تحول آموزشی آنست که شخصیت جوانان ما و حفظ اعتماد بنفس ایشان از هر جهت تأمین گردد... و... به جوانان کشور امکان دهد که استعدادهای مختلف آنان در هر رشته با بهترین صورت به تجلی در آید» گفته شده که در اجرای این اصول می باید نیازمندیهای اجتماع ایران در سالهای آینده دقیقاً پیش بینی و همچنین طرح ریزی آموزشی با آخرین روشهای علمی و فنی منطبق باشد؛ سایر مواد این بخش به توجیه اثرات غیر قابل انکار تعلیمات ابتدائی و متوسطه و سپس نقش پیشقدم و سازنده دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و وزارت علوم و آموزش عالی در «انقلاب آموزشی» اختصاص یافته و نیز

تشویق جوانان، توسعه تعلیمات حرفه‌ای، تقویت برنامه‌های تربیت معلم، نحوه نظارت بر موسسات آموزشی، چگونگی همکاری سازمانها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی با دولت، رعایت اولویت در بودجه موسسات آموزش عالی، نظارت مالی وزارت علوم و آموزش عالی در این باره و بالاخره تعیین ضوابط دقیق برای ایجاد و گسترش موسسات عالی آموزشی مورد توجه قرار گرفته است.

مسائل دانشگاهی

در دومین قسمت منشور انقلاب آموزشی مشکلات و مسائل دانشگاهها و مدارس عالی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است... در ابتدای این بررسی ضمن اشاره به نقش سازنده و حساس دانشگاهها در تنویر افکار عمومی و تقویت روحیه علمی و پیشبرد تحقیقات سودمند، تأکید شده که رؤساء دانشگاهها و دانشکده‌ها و گروههای آموزشی باید کسانی باشند که بصورت تمام وقت خدمت کنند و علاوه بر آن با تحولات آموزشی دنیای امروز آشنائی کامل داشته باشند، چرا که مسئولیت این افراد در برابر نسلهای آینده چندین برابر شده است؛ همچنین مواد ۱۶ تا ۱۸ قطعنامه لزوم تغییرات اساسی و دامنه‌دار در تشکیلات مدیریت، گروههای آموزشی، اداری و مالی دانشگاهها و مدارس عالی را یادآور گردیده است.

نکته بعدی استفاده از وجود دانشجویان در خدمات دانشگاهی با پرداخت حق الزحمه است؛ به تجربه ثابت شده که این امر ضمن کمک مادی و روانی به دانشجویان، در ایجاد روح همکاری دسته جمعی و پیشبرد برنامه‌های تحقیقاتی نیز عمیقاً موثر می‌باشد.

آخرین تحقیقات و مطالعات، وجود ۸۰۰ کار دانشجویی را

در دانشگاه تبریز نشان می‌دهد که هیچکدام از فعالیتهای مزبور کوچکترین لطمه‌ای به کار تحصیلی دانشجویان وارد نمی‌سازد، بجاست که در مسیر تحقق این قسمت از منشور انقلاب آموزشی کوشش پی‌گیری بعمل آید.

مواد ۲۰-۲۵ قطعنامه چگونگی انتخاب کادر آموزشی، تدوین مقررات استخدامی، ایجاد طرحهای خدماتی و آموزشی توسعه‌روچیه تحقیق و کنجکاوی علمی، نحوه استفاده هرچه بیشتر از امکانات دانشگاهها و ایجاد همکاریهای لازم اهل علم و تحیق با اهل عمل (سازمانهای دولتی و خصوصی) را توجیه می‌نماید.

از مواد مزبور چنین نتیجه گرفته میشود که دانشگاه محل مطالعه و تحقیق است و هرکس که با مطالعه و تحقیق سروکار دارد می‌باید از مزایای آن برخوردار باشد، همچنین ارجحیت‌های علمی و اخلاقی در پذیرش وظایف دانشگاهی، بر هر شرط دیگری مقدم است، در این راه مدیران دانشگاهها و مدارس عالی وظیفه خطیری بعهده دارند تا محیطی را بوجود آورند که تحت آن، استعدادهای برجسته به دانشگاهها جذب شود، مؤسسات تحقیقاتی توسعه یابد و تبلیغات دامنه‌داری جهت هدایت سازمانهای مسلکتی در زمینه استفاده از خدمات دانشگاهی صورت گیرد.

ماده ۲۶ قطعنامه به یکی از مهمترین مسائل موجود در دانشگاهها اشاره می‌کند، در این ماده برای رهائی از قید و بندهای مادی، حد مناسب معیشت اعضاء هیأت‌های آموزش و محققان دانشگاهی ضروری شناخته شده است.

مواد ۲۷-۳۰ قطعنامه ضمن اشاره به لزوم صرفه‌جویی و بهره‌وری در هزینه‌ها و خدمات دانشگاهی و تقویت واحدهای طرح‌ریزی به دو

نکته اساسی نیز توجه دارد. یکی استفاده از امکانات بخش خصوصی و ایجاد روابط دوجانبه با آن (که سهم عمده‌اش بر عهده هیأت‌های امناء دانشگاه‌هاست) و دیگری ایجاد واحدهای خدماتی دانشگاه‌ها که مالا می‌باید درآمدهای ناشی از آنرا برطبق موازین خاص در مسیر پیشبرد و توسعه دانشگاه‌ها و رفاه دانشگاهیان به‌کاربرد.

کیفیت یا کمیت

سایر مواد قسمت دوم قطعنامه برحسب‌ترین مسائل دانشگاهی تکیه می‌کند که نکات برجسته آن عبارتند از :

۱- کیفیت تعلیمات را نباید فدای تحقیقات کرد، در این مورد به دو نکته اساسی برخورد می‌کنیم ، یکی آنکه به‌ر صورت باید از تحمیل دانشجویان تازه به دانشگاه‌هایی که اشباع شده‌اند خودداری کرد و در دیگر آنکه باید از توسعه و گسترش رشته‌هایی چون: تاریخ ، جغرافی ، باستان‌شناسی ، و احتمالاً حقوق و ادبیات و سایر رشته‌های علوم اجتماعی که کمتر مورد احتیاج هستند کاست و در مقابل به توسعه رشته‌های فنی و تجربی پرداخت

در زمینه تحقیق بخصوص در سطح مملکتی لازم است دولت هدایت و ارشاد دانشگاه‌ها و موسسات عالی آموزشی را بعهده گیرد هدفهای تحقیقاتی خود را واضح و روشن سازد . هدف از تحقیقات آنست که نیازهای ملی و مملکتی به سایر کشورها به حداقل ممکن برسد ؛ کارشناسان برنامه چهارم به حل قسمت عمده‌ای از مسائل فوق توجه خاص مبذول داشته‌اند ، زیرا تا پایان برنامه مزبور (سال ۱۳۵۱) ضمن آنکه تعداد دانشجویان سراسر کشور به ۶۰ هزار نفر افزایش می‌یابد ، نسبت دانشجویان علوم تجربی به ۵۵ درصد مجموع دانشجویان خواهد رسید؛ همچنین استفاده از اضافه‌اعتبارات

دانشگاهی (۶ میلیارد ریال) به نسبت سهمی خواهد بود که هر يك از موسسات آموزش عالی در تامین نیازمندیهای تعلیماتی و تربیتی کشور بعهده دارند .

۲ - وزارت علوم و آموزش عالی به عنوان سازمان هماهنگ کننده موظفاً عهده دار نظارت بر امور آموزشی ، تحقیقاتی ، اداری و مالی موسسات آموزش عالی است و این می‌رساند که وزارتخانه جوان علوم و آموزش عالی چه مسئولیت سنگین و بزرگی را بعهده دارد و تا چه حد نیازمند استفاده از افرادیست که در زمینه های فوق تخصص و تجربه کافی دارند.

۳ - شرایط و مقتضیات زمانی ایجاب می‌کند که دانشگاهها در مسیر آخرین تحولات علمی جهان قرار گیرند ، این عمل جز از طریق برنامه‌های تبادل استاد و محقق و دانشجو و مدارك و اطلاعات با دانشگاههای بزرگ جهان که ضمناً دارای خصوصیات نزدیک به محیط اجتماعی ما باشند میسر و مقدور نیست ، همچنین تغییر و تبدیل در انتشارات دانشگاهی و ایجاد مرکز انتشاراتی مجهزی که بتواند با آخرین تغییرات علمی و تحقیقی جهان هماهنگی کند ، بدین منظور کمک می‌کند . صرفنظر از ایجاد مرکز اسناد و مدارك علمی وزارت علوم و آموزش عالی که بتصویب رسیده برنامه دقیق و سنجیده‌ای باید تدوین شود و قسمتی از بودجه دانشگاهها بمصرف اختصاصی برنامه‌های «تبادلی» و «انتشاراتی» برسد.

آمتحانات ورودی

بدنبال انتشار قطعنامه کنفرانس رامسر، هدف نخستین وزارت علوم و آموزش عالی تهیه برنامه دقیق و منظمی برای یکنواخت

کردن امتحانات ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی قرار گرفت تا بی‌انضباطی‌های موجود در امتحانات ورودی و هرج و مرج ناشی از کنکور دانشگاهها، از میان برود؛ بعدها این نتیجه بدست آمد که ایجاد هرگونه روش تازه در زمینه مزبور باعیب و نقص توأم است، مخصوصاً مسلم شد که یکنواخت شدن کنکورها مشکلاتی شبیه گرفتاریهای ناشی از کنکور مشترک دانشگاهها در سال ۱۳۴۳ ایجاد خواهد کرد؛ در نتیجه مطالعات جدید وزارت علوم و آموزش عالی براین اساس قرار گرفت که کوشش شود تا عدم توازن موجود میان ظرفیت دانشگاهها و دیپلمه‌های کشور تعدیل یابد و این عمل فقط با تغییر سیستم آموزش متوسطه، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای و بالاخره توسعه دانشگاهها امکان‌پذیر است، بهرحال حذف کنکور، مسأله‌ای که اینک مورد مطالعه است، محتاج برنامه دولت است؛ بی‌تردید ایجاد مرکز آزمون شناسی میتواند گامی مؤثر برای مطالعه و بررسی این منظور تلقی شود.

امور دانشجویان

سومین قسمت از منشور کنفرانس رامسر به‌امور دانشجویان اختصاص دارد؛ در ابتدای این بخش ضمن اشاره به اهمیت خلاقه و سازنده جوانان و دانشجویان در پیشبردهدیفهای انقلاب آموزشی، که طرح‌لازم پیش‌بینی شده و به صورت جداگانه به قطعنامه پیوست است؛ در طرح پیشنهادی مزبور اصول و مقررات خاصی جهت تشکیل انجمن‌های دانشجویی و ایجاد گفت و شنود «دیالوگ» بین دانشجویان وضع شده که حاکی از انجام کار دانشجوی بدست دانشجویان؛ مقررات مزبور شامل فعالیت‌های: فرهنگی، هنری، علمی و تفریحی بوده و بر موازین خاصی متکی است که بموجب آن فعالیت‌های

دانشجویی در دو سطح انجمن دانشجویان دانشکده‌ها و انجمن دانشجویان دانشگاه متمرکز می‌گردد.

بعلاوه طرح مربوط به تعیین استادان راهنما در دانشکده‌ها بعنوان رابط اساسی بین دانشکده‌ها و دانشجویان بمنظور رفع مشکلات آنها از جمله اقداماتی است که نتایج ارزنده‌ای دربر خواهد داشت.

قسمت بعدی بخش سوم قطعنامه مربوط به حمایت از افراد مستعد و بی‌بضاعت است و بر طبق آن فرض شده که تنها شرط ورود به دانشگاهها توفیق در امتحانات ورودی است، همچنین دولت مرظف شده که امکانات لازم را برای ادامه تحصیل دانشجویان مستعد و بی‌بضاعت فراهم نماید، حتی در اعطاء بورسهای تحصیلی به دانشجویان برجسته، به دانشجویان بی‌بضاعت و مستعد حق تقدم داده شده است.

با توجه به توجیحات فوق وزارت علوم و آموزش عالی با همکاری دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی شرایط خاصی جهت شهریه دانشجویان تدوین کرد شرایط مزبور که بمرور تغییراتی در آن داده شده و داده خواهد شد و اجود و جوه مشخصه زیر است:

۱- مبلغ اصلی شهریه نسبت به سالهای گذشته کوچکترین تغییری نداشته است.

۲- نحوه پرداخت شهریه به چهار گونه تقسیم شده که هر دانشجویی میتواند برحسب امکانات خود یکی از طرق مذکور را انتخاب کند حتی برای دانشجویانی که شهریه خود را قبل از آغاز سال تحصیلی یکجا پردازند تا ۱۵ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است.

نکته‌ای که در این میان لازم بتذکر است هزینه يك دانشجوست،

همچنانکه وزیر وقت علوم و آموزش عالی در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از وضع مقررات جدید شهریه اظهار داشت: هزینه يك دانشجو در سال از ده هزار تومان تجاوز می کند و در تحت شرایط تازه ، پرداخت حداکثر شهریه متعلقه (ده هزار و پانصد ریال) از يك دهم هزینه مربوط تجاوز نمی کند. این درحقیقت يك دین است که دانشجو موظف به ادای آن می باشد ، اما اگر امروز قادر به چنین عملی نیست همانگونه که در شرایط جدید پیش بینی شده نباید از او انتظار بيمورد داشت، باید باو کمک کرد که تحصیلاتش را بپایان رساند. مسلماً دانشجو که مظهر ترقیات يك مملکت است و آتیه ای درخشان در پیش دارد روزی خواهد توانست به ادای دین خود اقدام کند ؛

ماده ۴۳ قطعنامه به یکی از مشکلات اساسی در تحصیلات عالی مملکت اشاره می کند و اداره نظام وظیفه عمومی و وزارت علوم و آموزش عالی را موظف می سازد که مطالعات مشترکی را جهت رفع ناهماهنگیهای موجود بعمل آورند ؛

آخرین ماده منشور کنفرانس رامسر برسیاست اعزام دانشجو به خارج از کشور صحه می گذارد و حق هم اینست ، زیرا مادامی که خود نتوانیم قطبهای کاملی در جهت جذب افراد دیپلمه و لیسانسیه کشور به وجود آوریم باید از وجود دانشگاههای معتبر خارجی در رشته های مورد نیاز کشور حداکثر استفاده بعمل آوریم .

دومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی شیراز

در این کنفرانس سه کمیسیون اصلی برای بررسی در زمینه مسائل زیر تشکیل شده بود :

کمیسیون اول مأمور بررسی و ارزیابی مسائل اداری ، مالی و اقتصادی .

کمیسیون دوم مأمور بررسی و ارزیابی مسائل برنامه ریزی آموزشی و تحقیقات علمی .

کمیسیون سوم مأمور بررسی امور دانشجویان ، هیات امناء ، همکاری دانشگاهها و مسائل مربوط به نظارت.

علاوه بر کمیسیونهای مزبور دو کمیسیون تخصصی دیگر شامل: (کمیسیون فرعی پزشکی مأمور بررسی و ارزیابی طرح پوشش بهداشتی و اجتماعی و مسائل آموزش پزشکی ، کمیسیون تربیت معلم مأمور بررسی لایحه دانشگاه تربیت معلم ، تمام وقت کردن معلمان و تعلیمات حرفه‌ای معلمان) تشکیل شد و پس از بحث و مشاوره توصیه‌هایی در ۱۱ قسمت درباره مسائل مشروحه فوق عرضه داشتند که مورد تصویب و تأیید قرار گرفت ؛

در آخرین جلسه این کنفرانس که بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۴۸ در شیراز تشکیل شد شاهنشاه آریامهر ضمن بیاناتی راههای پیشرفت منشور انقلاب آموزشی رامسر را به رؤساء دانشگاههای سراسر کشور و اعضاء کنفرانس گوشزد فرموده و مخصوصاً لزوم توجه به برنامه تربیت معلم را به این شرح توصیه و تأکید فرمودند: «باید تا آنجا که می‌توانید درباره تربیت معلم اقدام کنید ، زیرا با این آهنگی که مملکت ما پیش می‌رود و متخصصان نخبه‌ای که ما بدان احتیاج داریم باید معلم و استاد خوب تربیت کنیم.»

سومین کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر

سومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی روز پنجشنبه ۲۵ ر ۴۹ ساعت ۱۰ صبح در پیشگاه شاهنشاه آریامهر تشکیل شد؛ مواد دستور این کنفرانس که بین چهار کمیسیون تقسیم شده بود شامل مسائل

مشروحه زیر بود :

۱ - کمیسیون اول امور مربوط به مسائل مدیریت و اقتصاد بارور دانشگاهی و مسائل خاص مربوط به تقلیل کادرداری و تقویت کادر آموزشی را عهده‌دار بود .

۲- امور مربوط به تربیت معلم و آموزش فنی و حرفه‌ای در کمیسیون دوم و امور دانشجویی در کمیسیون سوم و بالاخره امور مربوط به مکانیزم نظارت و ارزیابی و مسائل دانشگاهی جدید و طرح و بررسی پیشنهادهای مربوط به پیشبرد سریع اصول منشور انقلاب آموزشی در کمیسیون چهارم مطرح شد .

گزارش نهائی و قطعنامه این کنفرانس پس از بررسی در کمیسیونهای متشکله در ۵ اصل و ۲۹ قسمت به تصویب رسید؛ مسائل مدیریت و اقتصاد دانشگاهی، امور معلمین، آموزش فنی و حرفه‌ای، امور دانشجویان و مکانیزم نظارت و ارزیابی اصول این قطعنامه را تشکیل می‌دهد ؛

بطور کلی با توجه به اینکه جریان مذاکرات معموله در کنفرانسهای ارزیابی انقلاب آموزشی و مدلول تصمیمات متخذه و شرح مبسوط قطعنامه‌های صادره در نشریات جداگانه‌ای منعکس و منتشر شده‌است، در این مجموعه فقط به ذکر خلاصه‌ای از جریان مذاکرات و تصمیمات کنفرانسها اکتفا شد و آنچه مهتر است نتایج حاصله از تشکیل کنفرانسها می‌باشد که اجمالا بدان اشاره می‌شود:

آثار ناشیه از کنفرانسهای ارزیابی انقلاب آموزشی

همانطور که جناب آقای نخست‌وزیر ، جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی و جناب خانم وزیر آموزش و پرورش در سومین جلسات کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی اشاره کرده‌اند، تشکیل کنفرانسهای

ارزیابی در گسترش کمی و کیفی مؤسسات آموزش عالی کشور قابل ملاحظه‌ای داشته است که آثار و نتایج ناشیه از این کنفرانسها بشرح زیر خلاصه میشود:

۱ - تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از رقم پیش‌بینی شده در برنامه چهارم تجاوز کرده است .
 ۲ - کادر آموزشی دانشگاهها گسترش یافته و تنها در سال ۴۹ تعداد پانصد نفر از برجسته‌ترین فارغ‌التحصیلان دانشگاههای متریقی جهان به تعداد اعضاء هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور اضافه شده است .

۳ - در همان سال میزان کمک مالی دولت به مؤسسات آموزش عالی بالغ بر چهار میلیارد و صد و پانزده میلیون ریال شد که افزایش آن نسبت به سال گذشته در حدود ۱۱ درصد بوده است .

۴ - با تأسیس موسسه تحقیقاتی و برنامه ریزی علمی و آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی کشور بر پایه کاملاً جدید و علمی استوار شد و مرکز آماده سازی کتاب و همچنین مرکز اسناد و مدارك علمی ایران مشغول کار شدند و از اینراه زیربنای کاملاً مجهزی برای پیشبرد فعالیتهای علمی و تحقیقاتی پایه گذاری شد.

۵ - شورای هماهنگی دانشگاهها نقش بسیار ارزنده‌ای را در پیشبرد هدفهای سریع انقلاب ایفا کرده و آشنا ساختن دانشگاهها با مسائل مشترك دانشگاهی، هماهنگ ساختن فعالیتهای آنها، حل مسائل دانشگاهها بیش از هر واحد دیگر تاثیر واقعی داشته است.

۶ - روح یگانگی و تفاهم بیسابقه‌ای بین وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاههای کشور ایجاد شده که خود یکی از مهمترین ثمرات انقلاب آموزش عالی می‌باشد .

۷- در زمینه بهبود مدیریت ، در اغلب دانشگاهها اقدامات مطلوبی صورت گرفته و از راه تقویت اختیارات گروهها و استفاده از وسایل ماشینی و تکنیکهای نو برای استقرار روشهای جدید مدیریت و افزایش کارآئی واحدهای آموزشی مجاهدت شده است .

۸- در زمینه استفاده از وسایل سمعی و بصری در مواردیکه استفاده از وسایل مزبور لازم و سودمند بوده دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در حدامکانات مالی و فنی خود فعالیت خود را گسترش داده اند ، با اینحال در دورانی که هرروز اختراعات و اکتشافات جالبی در این زمینه میشود و این وسایل میتوانند نقش موثری را در بهبود وضع مدارس و رفع کمبودهای موجود ایفاکنند بسیار بجا خواهد بود که اولویت خاصی به این امر داده شود.

۹- در مورد بهبود برنامههای آموزشی و انطباق فعالیتهای دانشگاهی با پیشرفتهای دانش و نیازمندیهای ایران کوششهایی صورت گرفته که تجدید نظر در برنامهها و مقررات آموزشی ، افزایش میزان کارآئی گروهها، اتخاذ بهترین و مناسبترین روشهای آموزشی و ایجاد رابطه با سازمانهای مصرف کننده محصول واحد آموزش عالی نموداری از فعالیتهای معموله در این زمینه می باشد.

۱۰- دانشگاهها بطور کلی در مورد اصل گفت و شنود با دانشجویان «دیالوگ» تشکیل انجمنهای دانشجویی و شرکتهای تعاونی ، ایجاد کار برای دانشجویان تعیین استادان راهنما، اقدامات موثر و مطلوبی صورت داده اند .

۱۱- تعداد محصلین کودکانها و دبستانها در فاصله سالهای تحصیلی ۴۶-۴۷ تا ۴۸-۴۹ از ۲۶۷۵۶۶۷ نفر به ۳۱۰۰۶۶۷ نفر افزایش یافته و تعداد دانش آموزان دبیرستانها در همان مدت از

۶۷۵۰۰۰ نفر به ۹۲۵۰۰۰ نفر و تعداد هنرجویان هنرستانها در فاصله دو سال فوق از ۱۶۸۲۰ به ۳۲۷۶۷ نفر افزایش یافته است .

۱۲ - نظام تعلیماتی جدیدی بنام: آموزش حرفه‌ای و روستائی از مهر ۴۸ ایجاد شده که براساس آن ۱۶۷۱ نفر تکنیسین درجه ۲ در رشته‌های مکانیک آب و خاک، فرآورده‌های دامی، صنایع غذایی، آبادانی روستائی، فضای سبز و فرآورده‌های باغی مشغول تحصیل شده و ۲۷۳۶ نفر از جوانان روستائی با دیدن دوره‌های کوتاه‌مدت مهارت‌های لازم را کسب کرده و همچنین سپاهیان دانش فارغ التحصیل هنرستانهای صنعتی بصورت گروه‌های سیار به روستاهای پرجمعیت ۸ استان اعزام شده‌اند .

۱۳ - انستیتوهای تکنولوژی با اعلام منشور انقلاب آموزشی در سال تحصیلی ۴۸۴۷-۱۵۰۰ نفر و در سال ۴۹۴۸ تعداد ۴۳۹۵ نفر دانشجو داشته که ظرفیت این موسسات در سال تحصیلی ۴۹۴۹ به ۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است .

۱۴ - دانشسراهای مقدماتی و تربیت معلم در سال تحصیلی ۴۹۴۸-۲۲۵۳ نفر فارغ التحصیل داشته که در سال ۴۹۴۹ تعداد فارغ التحصیلان به ۲۹۰۲ نفر افزایش یافته است .

۱۵ - تأسیس ۱۱ مرکز تربیت معلم راهنمایی با ۲۶۷۹ نفر دانشجو، تشکیل سمینارها و دوره‌های کارآموزی برای سه هزار نفر در سال ۴۸ و ۴۸۰۰ نفر در تابستان ۴۹ و ایجاد مراکز تربیت معلم شبانه‌روزی با ظرفیت ۱۲۰۰ نفر و تأمین کمبود معلمان از جمله اقدامات دیگریست که بدنبال اعلام منشور انقلاب آموزشی بعمل آمده است.

کوتاه سخن آنکه، انقلاب آموزشی کشور که منشور آن در

سال ۱۳۴۷ به ابتکار و رهبری شاهنشاه آریامهر اعلام گردید ، در بهبود وضع دانشگاهها و رفع مشکلات و تحقق هدفهای علمی و تحقیقاتی تأثیر بسیار مطلوبی داشته و به میلیونها دانشجوی ایرانی فرصت و مجال داده که در محیطی آرام و سازنده به ایجاد و تحکیم زیر بنای آموزشی و علمی فردای درخشان ایران مبادرت ورزند ؛ اما روشن است که موفقیتهای این انقلاب ، هم اکنون توقعات و انتظارات مردم ایران ، بخصوص دانشگاهیان و فرهنگیان را بهمان میزان بالاتر برده است ، زیرا برطبق يك اصل کلی با هر گام مؤثری که در جهت نیل به هدفهای انقلاب برداشته شود و نیل بمراتب بالاتر و پیشرفتهای مهمتر را موجب گردد ، توقعات و انتظارات نیز رنگی تازه می گیرد و مجریان انقلاب را در برابر مسائل جدید دیگری قرار می دهد که برای رسیدگی به این مسائل ، با الهام از رهبریهای خردمندان شاهنشاه آریامهر بیگمان تلاش مداوم و پی گیری در جهت ایجاد تحول فرهنگی عمیق و ریشه دار و نیل به هدفهای مقدس انقلاب بعمل خواهد آمد و بار دیگر تالوا نوار تابناک تمدن و فرهنگ ایران زمین چشمه را خیره خواهد ساخت . -

در پایان این مقال ، نکاتی از بیانات پرمغز رهبر عالیقدر انقلاب که درسومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی ایراد فرموده اند زینت بخش این مجموعه قرار می دهیم:

«فلسفه این کنفرانسها آنست که همانطور که کرارا گفته ام در پیش بینی مطالب و جلو بودن از وقایع و توجه به احتیاجات آینده مملکت بموقع عمل کنیم و برنامه های آبادانی یا به اصطلاح برنامه های پنجساله مانرا با در نظر گرفتن نیازمندیهای ترقی فکری و روحی و روانی مردم این مملکت منطبق سازیم ، اینک بخوبی دیده ایم که

هرگاه قبل از وقوع حوادث، پیش بینی لازم شده باشد، نه فقط آن حوادث اتفاق نمی افتد بلکه دراموردیگر نیز پیش بینی های بموقع تأثیر خود را می بخشد؛ همچنین دیده ایم در ممالک و جوامعی که بدون فکر با حوادث راه می روند و یا حوادث آنها را بگرفتن تصمیم و ادا می کند، این قبیل تصمیمات معمولاً عجولانه یا بی اساس گرفته میشود، تصمیماتی است که تحت تأثیر یا احساسات نارس اتخاذ می گردد و غالباً آن مملکت و جامعه را نه فقط به هدف نزدیک نمی کند بلکه گاه فرسنگها آنها را از تامین و توجه به منافع ملی دور می کند، امروز می بینیم که جوانان ممالک به اصطلاح مترقی، به چه نوع فعالیت هایی دست می زنند، اگر حقیقتاً مدتی این وضع طول بکشد شاید تا یک نسل دیگر ممالک مذکور آنچنان قوس نزولی طی کنند که به اضمحلال تدریجی آنها منجر شود و کادر تحصیل کرده و تکنیسین یا کادری را که باید مشغول تجسس و آزمایش باشد از بین ببرد؛ شرایطی که این وضع را در آن ممالک و مجامع بوجود آورده است بی شک مایه تاسف است و گرفتاری تنها در آن نیست که بسیاری از جوانان از درس خواندن وامی مانند و خود را به شکلهای عجیب در می آورند بلکه دچار اعتیاد به مواد مخدره ای می شوند که حتی در سلولهای مغزی آنها تأثیر می گذارد.

خوشبختانه هیچکدام از این آثار و علائم در مملکت ما وجود ندارد، انقلاب آموزشی ما یکی از مواد مکیل انقلاب کامل و همه جانبه ایرانست جوانان ما بجای اینکه وارد این جریانات بشوند کار سازنده می کنند، برای آنها یک خدمت مقدس سربازی می روند، تکلیف روشن است، دیگران نیز امروز از پسر و دختر در خدمتی وارد شده اند که بدون مبالغه و نه برای اینکه این قبیل کارها در

مملکت ما انجام می‌گیرد حقیقتاً مایه افتخار ایران در دنیا شده است؛ این کار اصیل و نجیبی که پسرها و دخترهای ایران در سپاههای مختلف انجام می‌دهند نه فقط در این مملکت تا چند سال دیگر دگرگونی کامل ایجاد خواهد کرد بلکه مطمئن هستم که سازمان ملل متحد که اصل پیشنهاد ایران را قبول کرده است، آنرا به نوعی در سطح جهانی به مرحله عمل خواهد آورد و در آینده ممالک فراوانی در دنیا از این امر استقبال و استفاده خواهند کرد.

همین واقعیات برای دستگاههای آموزشی در کلیه سطوح، اعم از واحدهای وابسته به وزارت آموزش و پرورش و در سطحی عالیتر دانشگاهها، وظایف خطیرتری به وجود می‌آورد زیرا شمارا در برابر این مسئولیت بزرگ قرار می‌دهد که چه نوع عناصری، چه مردان و زنانی را از دستگاههای خود بیرون میدهید و آنها را چگونه بار می‌آورید تا بتوانند نقش ملی و احیاناً وظیفه جهانی و بشری خود را بخوبی انجام دهند و بالاخره برای انجام آن وظیفه آنها را با چه روحیه و طرز تفکری مجهز می‌کنید. ما بهر حال شاهد آن هستیم که این جوانان چگونه در داخل مملکت انجام وظیفه می‌کنند و میدانیم که برای انجام این وظایف ملی اطلاعاتشان کافیست اما برای اینکه ما به دنیا افراد برجسته‌تری بدهیم، باید آنچنان موسسات آموزش خود را بالا ببریم که بتوانند در کلیه شئون علمی و فکری با آزموده‌ترین و درخشانترین مغزهای عصر خود برابری کنند؛ فردا که فکر سپاهیان، جنبه بین‌المللی بخود بگیرد، این سپاهیان یا داوطلبان بین‌المللی ما باید افرادی باشند که بتوانند صاحب اسم باشند و افکار نقشه‌هایی بجهانیان ارائه دهند که ارزش جهانی داشته باشد و با کمال اطمینان مورد قبول همه واقع گردد.

بعنوان مقدمه این کنفرانس باز تکرار می‌کنم که ما باید قبل از هرچیز به احتیاجات روحی و آموزشی بشر امروز یعنی نسلی که در عصر ما زندگی می‌کند پی‌ببریم ، و پیش از آنکه او چنین احتیاجاتی را عنوان کند و آنها را از ما بخواهد نیازمندیهای انسانی او را تأمین کنیم و در اختیارش قرار دهیم . البته اینرا هم باید در نظر بگیریم که درعین حال پاره‌ای از جوانان در همین زمینه‌ها مطالبی را عنوان می‌کنند که جنبه آموزشی ندارد و گاهی حتی عنوان کردن آن برای ترقی جامعه و مملکت مضراست، خوشبختانه این مطالب در کشور ما دیگر نه خریداری خواهد داشت و نه شنونده‌ای و بالطبع دولت و دستگاه‌های آموزشی باید با همان مقرراتی که اصلاحات را انجام می‌دهند جلوی کارهایی را هم که بضرر جامعه و نسلهای آینده خواهد بود بگیرند ، انسان نمی‌تواند تجربه‌ای را که یکبار بدست آورده چندبار تکرار کند و شما که در کار آموزشی تجربه دارید میدانید که دستگاه‌هایی همواره کوشیده‌اند تا در اولین فرصت مناسب بنحوی نظم و ترتیب را مختل کنند...»

برگزیده بیانات
شاهنشاه آریامهر
در باره
مسائل مربوط به فرهنگ
و آموزش عالی



فرهنگ باستانی ما

«فرهنگ مایکی از فرهنگهای باستانی جهانست ما معتقدیم اصل و منشاء عالی و اصل گوهری که تمدن را بوجود آورده ، مفهوم حیاتی و بسیار مهمی دارد ، زیرا در دنیای پرآشوب کنونی که براساس احترام ارزش و معنویت مقام بشری و اصول و معتقدات عالی اخلاقی استواراست ، سنن باستانی ما را حیات و نیرو میبخشد و سرچشمه الهامات می شود ؛ اصول و مبانی عالی ، در آن موقع که مسیر ما از هرطرف باهرج و مرج و آشوب و بی نظمی احاطه شده تکیه گاه استواری برای ما خواهد بود. - »
(از بیانات شاهنشاه آریامهر بمناسبت دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه میشیگان)

تحقیق و بررسی در اصول و مبانی حیات ملی ایران این نکته را روشن می سازد که ایرانیان دارای اوصاف و خواص نژادی ممتازی می باشند ؛ مواهب و غرایزی که دست آفرینش ، در سرشت مردم این سرزمین به ودیعه نهاده و گوهر وجودشانرا بدان خصایص و امتیازات آراسته متعدد و بسیار است که برگزیده ترین آنها ، اصالت قریحه و استعداد ابتکار می باشد و از این رودر تمام مظاهر حیات مانند : سیاست ، دیانت ، زراعت ،

تجارت ، صناعت خاصه علوم و فنون و فلسفه و ادبیات، همواره مبتکر آثار و پدیدآورنده گنجینه‌های ادبی و هنری بیشماری گشته‌اند؛ بالاتر از همه قوم ایرانی بداشتن روح غرور ملی و اقتخار به فضایل پسندیده و خصایص شریفه اخلاقی همواره سربلند است و این سجیه ذاتی در ادبیات و حماسه‌های باستانی و حتی در آثار و فنون ظریفه و هنرهای زیبا بخوبی مشهود است؛ آری تاریخ کمتر ملتی را میتوان یافت که تا این حد به حفظ موارث گذشتگان و سعی در تکامل آن معتقد و علاقه‌مند باشد و همین دل‌بستگی ایرانی به میراث ملی و ملکات فاضله نیاکانیست که در طول قرون و اعصار متمادی باعث بقای تمدن ایران گشته و ملت ایران با همین نیروی خداداد توانسته است در برابر طوفانهای حوادث پایداری کند . -

فروغ معنویت

آرزومند فرارسیدن روزی هستیم که فروغ معنویت بر سراسر جهان پرتو افکن شود و تاریکی اختلافات و خودخواهیها و اغراض ناچیز را از میان بردارد و نیروهاییرا که متأسفانه امروزه در راه تخریب و جدائی بکار می‌روند برای نزدیکی و پیوستگی مردم جهان و ایجاد دنیائی به کار اندازند که فرزندانمان بتوانند در آن فارغ از ترس و کینه و فقر و جهل ، از زندگی سعادت آمیزی که غایت آرزو و هدف کمال و دانش و فرهنگ است برخوردار گردند (از بیانات شاهنشاه آریامهر بمناسبت دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه بیروت)

«رادها کریشتان» فیلسوف معاصر هندی در رساله‌ای بنام East and west in Religion که شامل ۵ سخنرانی ایراد شده در دانشگاه‌های اکسفورد و منچستر می‌باشد، می‌نویسد:

«معنویت از نظر علم مردم‌شناسی Antropology جلوه‌ای از فرهنگ بشری بشمار می‌رود و تابع همان قواعد و قوانینی است که بر سایر دستگاہ‌ها و شئون اجتماعی حکومت می‌کند.»

آنچه مسلم است قوانین بشری همواره بر پایه حفظ و وضع تمدن استوار بوده و نظری به تاریخ تمدن جهان، این نکته را ثابت می‌کند که در هر دوره‌ای جنگ‌ها و خونریزیها در خشانترین تمدن‌ها را برباد داده و آثار فرهنگی و هنری را با خاک یکسان کرده‌اند؛ خوشبختانه از قدیمترین ادوار تاریخی نیاکان پرافتخار ما از عالیتین اصول و خصایص اخلاقی برخوردار بوده و با بکار بستن تعالیمی چون: گفتار، کردار و پندار نیک عقیده داشتند که سرانجام اهورامزدا، بر اهریمن پیروز و صلح و صفا و پاکی و راستی بر سراسر جهان حکمفرما خواهد شد:

اینک در سرزمینی که قریب سه هزار سال پیش ندای پیروزی حق بر باطل برخاسته، پیام دیگری بجهانیان عرضه می‌شود و پیشوای ملتی بزرگ بشریت را بسوی صفا و آرامش فرا می‌خواند؛ عفریت جنگ و نیروهای مخرب آنرا بلای جان بشریت و خطری عظیم برای معنویت می‌شمارد و با وجدانی پاک بعنوان یک مدافع

عدالت بین‌المللی نقش تاریخی خود را ایفا می‌کند ؛
اینست راز ایمان وفداکاری و تلاش بی‌وقفه و طاقت‌رسانی
که اکنون تمام زندگی شاهنشاه محبوب ما ، در آن خلاصه
شده است .

دانشگاه از نظر شاهنشاه آریامهر

« يك دانشگاه در نظر من ، مکان مقدسی است که آئینده جامعه
بشریت در آن پی‌ریزی می‌شود ؛ دیر زمانی سرنوشت بشر را عوامل
متعدد دیگری بجز علم و دانش تعیین می‌کرد ؛ بسیار جنگها و ویرانیها ،
بسیار تخریبه‌ها و کشتارها اتفاق می‌افتاد که اساس آن تعصب و
خودخواهی و بیخبری یعنی تمام آن چیزهایی بود که از جهل و
نادانی سرچشمه می‌گرفت ، در طول تاریخ بشریت ، صدها میلیون
نفر از بهترین فرزندان خود را در آستانه معبد جهل و نادانی
قربانی کرد ، چرا ؟؛ زیرا فروغ دانش در توالی قرون جز
بتدریج و با دشواری نمیتوانست در تاریکی جهالت و گمراهی
رخنه کند . »

(از سخنان شاهنشاه آریامهر بمناسبت دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه صوفیه)

واژه دانشگاه خودنماینده اهمیت و عظمت آنست ؛
زیرا دانش در هر دوره‌ای مظهر ترقی و شکوه و مترادف
با رشد فکری و نضج فرهنگ بوده و بیداشی بقول فردوسی
آفت جان و مایه زوال و نیستی است ؛
تعصب و جهل و بیداشی ، در طول تاریخ فجایعی
بیار آورده که مایه ننگ بشریت است ؛ جنگهای صلیبی ،
مظالم خلفای اموی ، اختلافات نژادی ، قتل و عام بزرگ

کانتن Conton در چین و صدها حوادث دیگر همه و همه زائیده خودخواهی، غرور، بیخبری، جهل و خرافات بوده است، گویانکه در هر دوره و عصری، مصلحین و خیراندیشان، پیامبران و پیشوایان ملت‌ها همواره برای برانداختن ریشه‌های جهل و بی‌دانشی قیام کرده و مردانه به تلاش برخاسته‌اند ولی بهمان اندازه که مبادرت به کشتار دسته جمعی و دست‌یازیدن به ویرانیه‌ها به آسانی انجام می‌گرفته، اقدام به ساختن و پرداختن خاصه پیکار بر علیه بیدادگریها و عقاید خرافی صد چندان مشکل و مستلزم مرور زمان و صرف وقت زیادی بوده است؛ بهمین سبب، گسترش دانش و نجات انسانها از جهل و نادانی که از اهم وظایف دانشگاهها و مؤسسات آموزشی بوده در ادوار مختلف بتدریج و تآنی صورت گرفته است؛ با اینحال همین پیشرفت تدریجی برای عالم بشریت روزنه امید، و نوید بخش سعادت بوده که دانشگاهها موجد اصلی این امیدواریهامی باشند، زیرا هدف اصلی دانشگاهها بسط و تعمیم فرهنگ و تربیت جوانانی دانا و توانا و با ایمان و لایق بوده و آینده شکوفان جوانان و یاب‌ه مقیاس وسیعتر مبنائی استوار تمدن باشکوه دنیای فردا، در دانشگاهها پی‌ریزی می‌شود.

قرن سرعت

«علاقه من نسبت به پیشرفتهای علمی و فرهنگی کشور ایران آنقدر شدید است که هرچه در بسط و توسعه و تکمیل آن ذکر کنیم مختصری از منویات قلبی من بیش نخواهد بود؛ در محیط

فرهنگی ما جریان تغییر و تحول و پیشرفت سرعت بسیار یافته است. همین سرعت در من نشاط و عشقی نیرومندتر ایجاد می‌کند. زیرا برای من یقین حاصل است که آینده ایران و جوانان ایرانی، و تمام مردم این بخش از جهان با پیشرفت و تکامل علمی و فرهنگی پیوسته است.»

«از کتاب مأموریت برای وطنم»

بیکن «wacan» بزرگترین متفکر و فیلسوف جهان معتقد است که: «هیچ انحراف و ضعفی در سرشت آدمی نیست که بوسیله دانشگاه و از طریق پرورش اصلاح نشود.» و شاهنشاه عالیقدر ما که همواره در پیشاپیش حوادث گام برمیدارند نیک پی برده‌اند که ترقی ملت ایران جز از راه بسط فرهنگ میسر نخواهد بود، و بهمین جهت است که تغییرات و تحولات سریع فرهنگی را مایه امیدواری و دلگرمی میدانند؛

آری، شاهنشاه، با رأی صائب و نبوغ ذاتی خود بدین نکته واقفند که: قرن ما، قرن سرعت است، بشر می‌خواهد فاصله پاریس تا نیویورک را در یکساعت طی کند، تازه اینهم در برابر سرعتی که سفینه‌ها در راه ماه و زمین دارند، بسیار ناچیز است؛ دردیائی که علوم و فنون و صنایع با جهش‌های سرسام انگیز سیر تکاملی خود را می‌پیمایند، ایرانی باید همگام با مقتضیات عصر به پیش بتازد و موانع را بهیچ شمارد؛ زیرا هر لحظه درنگ به بهای عقب ماندگی دائمی ما تمام خواهد شد که مسلماً ننگی است بس بزرگ و هیچ ایرانی میهن‌پرستی

تاب تحمل آنرا نخواهد داشت . -

زندگی بخاطر کسب افتخار

«زندگی زود می‌گذرد، و عمر هر کس پس از چند سال سپری می‌شود، ولی چه لذتی از این بهتر که انسان فکر کند در آن مدتی که زنده بوده و در روی زمین بسر برده است يك عنصر مفید و يك خدمتگزار به جامعه و تمدن بوده است.»

(از بیانات شاهنشاه آریامهر خطاب به دانشجویان و فارغ التحصیلان ایرانی و ایرانیان مقیم آلمان)

(۸ خرداد ۴۹)

زندگی می‌گذرد ولی مردان بزرگ همگام با گذشت زندگی، با کارهای خطیر و اعمال برجسته و درخشان خود، تاریخ ملتها را به وجود می‌آورند؛ ترقی و تحول را هرگز جبر تاریخ ایجاد نمی‌کند، بلکه اراده، عقل، دوراندیشی، جهان بینی، تشخیص و درک مقتضیات زمان و قبولاندن افکار مترقیانه ناشی از سجایای مذکور صفحات تاریخ را مدون می‌کند؛ خوشبختانه تلاشهای شبانه روزی و درایت و تدبیر و دوراندیشی شاهنشاه آریامهر، ملت ایران را ملتی آزاده و سربلند به جهانیان معرفی کرده و گذشت دقائق و ساعات زندگی پرافتخارشان آنچنان تأثیری در تاریخ میهن عزیز ما بر جای گذاشته که در بخش فصول و ابواب آن، دوره طولانی تاریخ ایران کهن را تحت الشعاع قرار داده است؛ بیاس خدمات ارزنده رهبر عظیم الشان انقلاب، جهانیان نه فقط میهن مارا به عنوان يك کشور مستقل، آزاد، مترقی و مهد تمدن

و فرهنگی گرانمایه می‌شناسند بلکه پیشوای محبوب ایران ، بعنوان شخصیتی جهانی ، منادی عدالت اجتماعی و طرفدار حقوق میلیونها بشر محروم شناخته شده که تساوی حقوق همه ممالک و ملتها را برای حفظ صلح و بقای تمدن از جهانداران سیاسی و اقتصادی طلب می‌کند و خود برای تحقق این آرمان مقدس آنی از تلاش و کوشش باز نمی‌ماند ؛ واقعاً چه زندگی لذت‌بخش و افتخار - آمیزی ! ...

دانش ، نه دیپلم

«این فکری که شاید تا بحال در مغز خیلی از افراد این مملکت وجود داشت که لازمهٔ تأمین زندگی اینست که يك ورق کاغذ بعنوان دیپلم بدست بیاورد و بعد خیالش راحت باشد، فکر مضری است، زیرا این يك ورق کاغذ به تنهایی برای تأمین زندگی يك فرد کافی نیست ؛ دستگاه فرهنگی ما نباید کارخانه دیپلم‌سازی بیسوادها باشد، زیرا اگر مایه تحصیلی سست و کم باشد صرفاً داشتن يك ورقه بعنوان دیپلم نه هنریست و نه افتخاریست . - »
(از بیانات شاهنشاه آریامهر در شرفیابی دانشجویان رتبه‌اول دانشکده‌ها)

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که در گذشته تقلید کورکورانه از روشهای آموزشی ممالک خارجی و بکار بستن روشهایی که اصولاً بانایازها و مقتضیات کشور ما سازگار نبود . وضعی پدید آورده بود که دانشجویان و دانش‌آموزان بجای اینکه علم را بخاطر علم بیاموزند و

کسب فضایل و کمالات را وجهه همت خود سازند تنها برای گرفتن دیپلم تلاش می‌کردند و جز بدست آوردن مدرک تحصیلی هدفی بدل نمی‌پروراندند، بعبارت دیگر مؤسسات آموزشی ما به کارخانه دیپلم سازی مبدل شده بود و بالنتیجه آموزشگاهها نه فقط قادر به تربیت نیروی انسانی ورزیده و فعال برای کشور نبودند بلکه درجات و مدارکی که به تقلید از برنامه‌های خارجی به افراد اعطاء می‌شد بخودی خود فاقد ارزش و اعتبار کیفی بود . -

باتشکیل کنفرانس آموزشی رامسر، این موضوع مهم در درجه اول اهمیت قرار گرفت و مخصوصاً در سرلوحه منشور انقلاب آموزشی تصریح شد: هدف اصلی از ایجاد مدارس، تأمین وسایل لازم جهت تربیت و رشد کلیه افراد و طبقات ملت ایرانست «بنحویکه دردنیای آینده، سرنوشت ملت ما در دست انسانهایی رشید و کامل قرار گیرد ، انسانهایی که نه تنها بارموز دانش فردا همراز باشند بلکه بتوانند با آگاهی تمام از فرهنگ باستانی درخشان خود، پیشرفتهای سریع علم و فن را همواره در خدمت ارزشهای بزرگ انسانی قرار دهند . - « بدیهی است منشور انقلاب آموزشی ، طرق نیل به این هدف را نیز بطور کاملاً دقیق روشن و مشخص ساخته که با اجرای اصول و مفاهیم آن تحول شگرفی در شئون فرهنگی میهن پرافتخار ما بوجود خواهد آمد و دانشجو هرگز در فکر آن نخواهد بود که تنها ، ورقه‌ای بنام دیپلم بدست آورد بلکه با تمام قوا برای کسب دانش و هنر و اندوختن سرمایه علمی تلاش

خواهد کرد تا عنصر مفیدی بار آید و سهم مؤثری را در راه ترقی و تعالی ایران عهده‌دار شود . -

پرتو انقلاب آموزشی

«وقتی می‌گوئیم انقلاب آموزشی ، تنها مربوط به آموزش عالی نمی‌شود ، بلکه این انقلاب باید از خانواده ، یعنی دامان مادر شروع شده و سپس در کودکستان ، دبستان ، دبیرستان و بالاخره در سطح عالی انجام شود . -»

(از بیانات شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی - مرداد ماه ۱۳۴۷)

در تفسیر این قسمت باید گفت : صرف نظر از خانواده ، در وهله اول وزارت آموزش و پرورش ، سازنده اساس و شالوده تعلیمات عالی است ؛ بر همین مبنا ، هرگونه بی‌مبالاتی در آموزش ابتدائی و متوسطه مستقیماً در امور مربوط به آموزش عالی کشور اثر می‌بخشد ؛ از سوی دیگر همگام با تحولاتیکه در کلیه شئون اجتماعی میهن عزیز ما به وقوع می‌پیوندد ، باید نیروی انسانی شایسته‌ای تربیت شود که علاوه بر دارا بودن معلومات علمی و فنی واجد صفات و سجایای عالی انسانی و روح ملیت و میهن پرستی باشند .

نیل به این هدف مستلزم همکاری و تشریک مساعی مداوم اولیاء خانواده‌ها با آموزشگاهها و تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی دبستانها و دبیرستانها بر مبنای نیازهای ملی و اجتماعی می‌باشد ، در چنین صورتیست که اجرای مواد منشور انقلاب آموزش عالی نتایج عالی

و ثمربخشی بیار خواهد آورد . -

تعلیمات امروزه

«تعلیمات دیگر نمی تواند يك امر منجمد و غیر قابل انعطاف باشد بلکه هر روز در حال تغییر است ، کتب درسی و علمی ، هر دوسه سالی عوض می شود ، روش آموزش هم ، البته نه به آن سرعت ولی در هر صورت تغییر می کند . - »

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی)

خوشبختانه ماده ۴ منشور انقلاب آموزشی روشنگر این نکته است که مطالعات عمیقی در جهت تغییر روشهای آموزش و پرورش صورت گرفته و اقدامات همه جانبه ای بمنظور بالا بردن سطح معلومات دانش آموزان بعمل آمده است. در مندرجات کتب درسی دبستانی و دبیرستانی کلا تجدید نظر شده و بکار بستن روشهای سمعی و بصری در بهبود وضع آموزشی اثرات مطلوبی بخشیده است ، هم اکنون همگام با فعالیتهای معموله در راه نیل به هدفهای تربیتی ، گسترش آموزشگاههای فنی و حرفه ای و مخصوصا هماهنگ ساختن تعلیمات با مقتضیات و نیازمندیهای محلی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته که تاسیس هنرستانها ، انستیتوهای تکنولوژی و دانشکده های کشاورزی در شهر - های صنعتی و مناطق فلاحتی کشور در زمره اقدامات معموله و دگرگونیهای حاصله در این زمینه می باشد ..

واقعاً نیز ادامه يك روش خاص آموزشی و تبعیت از سیستمهای کهنه و فرسوده آموزش و پرورش ، در دنیائی که هر روز و هر ساعت در حال تحول و بسرعت در تغییر

است مفهومی جز شکست و ناکامی نخواهد داشت .

آموزش حرفه‌ای

«در حال حاضر ۴۷ هزار محصل در دانشگاهها داریم که فقط ۱۷ هزار نفر آن‌ها در قسمتهای فنی و حرفه‌ای تحصیل می‌کنند ؛ در صورتیکه در یک کشور سالم باید نسبت محصلین حرفه‌ای لااقل سه برابر بلکه بیشتر از سایر رشته‌ها باشد... به وزیر آموزش و پرورش دستور داده‌ام و باز هم می‌گویم که برای جبران این عدم توازن خطرناک هرکاری که لازم است انجام دهند . -

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر)

علت اصلی عدم گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای و یا عدم توازن رشته‌های علمی و فنی در وهله اول ناشی از اجرای روشهای نامطلوب آموزشی و در مرحله دوم معلول سلیقه‌ها و عقاید خاص اجتماعی بوده است ، در جریان نیم قرن اخیر، مسئولان امور تعلیم و تربیت توسعه کمی آموزشگاهها و افزایش هر چه بیشتر تعداد محصلین دبستانها و دبیرستانها را در رأس برنامه‌های اصلاحی خود قرار داده و به نیازهای اجتماع واقعی نهناده‌اند و بهمین سبب تا این اواخر از نظر اکثریت افراد کشور، تعلیمات منحصرأ به فرا گرفتن برنامه‌های تئوری دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها اطلاق می شده و فقط معدودی از افراد که آنها نیز توانائی ادامه تحصیل در آموزشگاهها را نداشتند به مدارس حرفه‌ای روی می‌آورده‌اند ، خوشبختانه تحولات عظیمی که به رهبری شاهنشاه و با اجرای مواد منشور انقلاب ملی در میهن عزیز ما بوقوع

پیوسته اوضاع آموزشی را نیز دگرگون ساخته و لزوم حرکت چرخهای عظیم کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی ایجاب می‌کند که افرادی متخصص و صنعتگرانی ماهر و لایق برای این منظور تربیت شوند که همین وضع به تنهایی متضمن توسعه مدارس فنی و حرفه‌ای خواهد بود؛ مخصوصاً با دستورهای موکدی که رهبر عظیم‌الشان انقلاب در این باره صادر فرموده‌اند، بدون شك همگام با افزایش ارزش و اهمیت صنعتگران تعداد داوطلبان مدارس حرفه‌ای روز بروز افزونتر خواهد گشت . -

ناهماهنگی حقوقها

«ناهماهنگی حقوقهای کسانی که يك نوع تحصیل کرده‌اند، بیعدالتی است و حقوقها بطور عجیب و فاحش و بدون منطق باهم فرق می‌کنند . اگر این موضوع به کار این کنفرانس مربوط نمی‌شود باید در هر صورت مورد مطالعه قرار گیرد . -

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی)

رهبر عظیم‌الشان انقلاب ضمن اشاره به نقش سازنده و حساس دانشگاهها در تنویر افکار عمومی و ترویج و اشاعه روحیه علمی و پیشبرد تحقیقات مفید و مؤثر، عوامل اصلی و لازم جهت تحقق هدفهای غائی را نیز از نظر دور نداشته و مراحم مهر مظاهرشان را برای تأمین رفاه و آسایش سازندگان اجتماع پرشکوه آینده میهن عزیز ما معطوف ساخته‌اند؛ پیشوای عالیقدر ما که به کنه مسائل پی‌برده و به جزئیات امور مملکتی آگاهی کامل دارند، نابرابری حقوق افرادی را که دارای

تحصیلات و وضع مشابهی هستند يك نوع بیعدالتی دانسته و لزوم ایجاد هماهنگی در میزان حقوق دریافتی افراد مزبور را به مسئولان امور تأکید فرموده‌اند ؛ این ژرف بینی و نکته سنجی که از سجایای برجسته پیشوایان عالیقدر و رهبران دلسوز و فداکار می باشد ، در همه حال موجب تحولات شگرف و پیشرفتهای همه جانبه‌ای در کلیه شئون اجتماعی اقوام و ملل مختلف می گردد که انقلاب سفید شاه و ملت نمونه بارز آن تواند بود . -

بحث با دانشجویان

«باید در حدود مقدور و به علت جنبه‌های انسانی ، فرصت ابراز احساسات به دانشجو داده شود و همان طور که ، به تمام طبقات مملکت توجه می کنیم ، باید به او هم توجه بشود ؛ کارگر یا زارع ایرانی در مملکت خود حس می کند ، کوششهایی که می شود برای اوست ؛ دانشجو نیز باید دارای این احساس باشد ، باید به دانشجو اجازه فکر کردن و روبرو شدن و بحث کردن بدهیم ، البته در حدود معین و معقول و در حدودی که به پیشرفت اکادمیک ما کمک کند . -»

(از سخنان شاهنشاه آریانه در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر. -)

«اورتکا-ای-گوسه» Ortca-E-Gosse، نویسنده

معروف اسپانیولی در کتابی تحت عنوان : مأموریت دانشگاه ، می نویسد : در سازمان تعلیمات عالی و بنای اصول دانشگاهی ، باید از دانشجو شروع کرد، نه دانش و درس و استاد ، دانشگاه باید يك سازمان دانشجویی باشد ...» نتایجی که از این رفرم حاصل میشود ، بسیار

مهم است، زیرا در این صورت یکی از وظایف اصلی دانشگاه، آمادگی برای مطالعات اجتماعی است؛ دانشگاه باید جامعه خود را تحت مطالعه قرار دهد، حدود گسترش و تعمق آنرا بررسی کند و برای تحقق هدفهای آن، طرحی مطابق با منافع ملی بریزد و چون دانشجو از مهمترین عوامل و موثرترین ارگانهای اجتماع می‌باشد، ایجاد امکانات لازم برای گفت و شنود «دیالوگ»، توجه به شخصیت دانشجویان و استفاده از نظرات مشورتی آنان مسلماً در بهبود اوضاع و نیل به آرمانهای دانشگاهی، تأثیر خاصی خواهد بخشید و علاقه دانشجو را نسبت به دانشگاه و محیط زیست افزونتر خواهد ساخت. -

استادان راهنما

«باید به استادان راهنما توجه بیشتری بکنیم که هر يك چند دانشجو را تحت سرپرستی خود بگیرند و بنشینند و بحث کنند. -» (از سخنان شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر) طرح مربوط به تعیین استادان راهنما بعنوان رابط بین دانشجویان و دانشکده‌ها بمنظور رفع مشکلات جوانان از جالبترین تمهیدات است که در اجرای نیات عالی‌ه و راهنمائیهای ارزنده شاهنشاه آریامهر، در منشور انقلاب آموزشی پیش بینی شده است.

تماس مداوم استاد و دانشجو، نه تنها در پیشبرد وضع تحصیلی دانشجویان، تأثیر مطلوبی خواهد بخشید، بلکه دانشجویان همگام با مشاوره و مباحثه، مشکلات زندگی خود را با استادان مربوط در میان خواهند نهاد

و برای رفع نقایص زندگی از آنان چاره‌جویی خواهند کرد، بالنتیجه موجبات آسایش و آرامش خاطر دانشجویان فراهم و در عین حال روابط بسیار صمیمانه‌ای توأم با حس احترام و حقشناسی بین استاد و دانشجو ایجاد خواهد گشت؛

با اجرای این طرح، استادان راهنما همواره دانشجویان را برای تیل به هدفهای آموزشی و تربیتی آماده ساخته و با تجاربی که طی سالیان متمادی اندوخته‌اند گرفتاریهای جوانان را بهسولت مرتفع خواهند ساخت؛

بطور کلی، استادان راهنما در نقش يك پدر روحانی و يك مربی دلسوز و فداکار راه موفقیت جوانانرا هموار خواهند ساخت و روح ایمان، فداکاری و میهن پرستی را در آنان تقویت خواهند کرد و از این حیث توفیق قابل ملاحظه‌ای در حل بسیاری از مشکلات و معضلات موجود نصیب دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خواهد شد. -

واگذاری امور دانشجویی به خودشان

«امور دانشجویی را تا آنجا که می‌شود باید به خود دانشجویان

واگذار کرد تا خودشان سرپرستی کنند. -»

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در کنفرانس آموزشی رامسر)

فلسفه کلی انقلاب آموزشی تنها موقعی معنی خواهد داشت که توأم با حس مسئولیت و اعتقاد سازنده دانشجویان نسبت به هدفهای مشترك باشد؛ دانشجو، بدو باید متوجه این حقیقت باشد که این دستگاهها و وسایل گوناگونی که در اختیار او قرار گرفته و ملت ایران، مخرج اساسی

آنرا عهده‌دار شده است، مسئولیت او را نسبت به نتایج این سرمایه‌گذاری زیاده‌تر می‌کند؛ با توجه به این اصل مهم، اولیاء امور دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور باید در وهله اول، این مسائل را به دانشجویان توجیه و سپس آنرا در اداره امور دانشگاهها سهیم و شریک سازند و به تناسب ذوق و استعداد، وضع تحصیلات و رشته‌های تحصیلی و علاقه دانشجویان، مسئولیت انجام قسمتی از امور جاری را به آنان محول کنند، تا دانشجویان و جوانان تحصیل کرده و روشنفکر کشور، دانشگاه را از آن خود بدانند و روز بروز علاقه آنان به محیط تحصیلی و موسسه‌ای که از آن بهره می‌جویند، افزون‌تر گردد و بالاتر از همه با وظایف و مسئولیتهایی که در آینده عهده‌دار خواهند شد، آشنا شوند...

هدف و مسئولیت دانشگاهیان

«...دانشگاه باید متعلق به دانشگاهیان باشد و آنها که مسئول اداره آن هستند، باید وجود زندگی خود را منحصرآ در راه دانش و پژوهش قرار دهند، نه اینکه حریم دانشگاه را به عنوان وسیله‌ای در راه مقام یا موقعیت اجتماعی خود به کار برند؛ هر نوع مقرراتی که در آینده وضع میشود، باید این اصل را در نظر داشته باشد تا دانشمندان و جوانانی که بدان روی می‌آورند، هدفی جز پیشرفت و اعتلا آن در سر نپروراندند.»

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در کنفرانس آموزشی رامسر)

پیشوای عالیقدر ملت ایران، ضمن یکی از سخنرانیهای خود، درباره اهمیت دانشگاه چنین فرموده‌اند: «دانشگاه

در نظر من مکان مقدسی است که آینده جامعه بشریت در آن پی‌ریزی می‌شود . - «

این اشاره شاهانه ناشی از عظمت دانشگاه و وظیفه خطیرو مقدسی است که استادان و گردانندگان اصلی دانشگاه بعهدہ دارند ، زیرا دانشگاهیان اصولاً باید جوانان راطوری تربیت کنند که علاوه بر فضل ودانش ، با تقوی و پرهیزگار و متصف به صفات وسجایای پسندیده انسانی باشند و چون این فضایل بوسیله استاد به دانشجو منتقل می‌گردد ، بالطبع استاد دانشگاه باید دربادی امر به‌کار خود مؤمن و مشتاق وعلاقه‌مند باشد ، دانشگاه را خانه خود و کانون علم و محبت و دانشجویان را عضو صمیم و صدیق همان خانواده بداند و در راه تشییدمبانی مؤدت و ایجاد صمیمیت بین افراد خانواده آئی فروگذار نشود ؛ واقعاً نیز يك استاد دانشگاه ، زمانی میتواند عنوان شامخ استادی را بخود اختصاص دهد که علاوه برکسب دانش و فضیلت و تزکیه اندیشه و نفس ، به حرفه خود مؤمن وعلاقه‌مند باشد و به دانشگاه عشق بورزد ؛ در چنین صورتیست که مقام و منزلت استاد ، آنچنان شریف و ارجمند و والا خواهد گشت که حدی برآن متصور نباشد و تالی پیامبرانش دانند ؛ والا استادی که خدای نکرده حریم دانشگاه را «که شاهنشاه مقدسش می‌خوانند» وسیله‌ای برای بالا بردن مقام اجتماعی خود قرار دهد و یا صرفاً به منافع مادی خود بیندیشد ، نه تنها خود ، بلکه ساحت منزله و مقدس دانشگاه را لکه دار و ناپاک خواهد

ساخت و گفته نغز و شیوای سعدی دربارهٔ چنین استادی
مصداق واقعی پیدا خواهد کرد که می‌فرماید :
ذات نایافته از هستی، بخش کی تواند که شود، هستی بخش

هدف انقلاب آموزشی

«... این انقلاب در درجهٔ اول بخاطر جوانان و بویژه دانشجویان
ما ... و سرنوشت آنها می‌شود و هدفی جز این ندارد که شاهره
ترقی و پیشرفت را در برابر آنان همچنان امن تر و هموارتر سازند.»
(از بیانات شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر)
انقلابی که به فرمان شاهنشاه در شئون آموزشی
کشور به وقوع پیوسته ، انقلابیست سازنده ، مهمترین
هدف این انقلاب نیکبختی انسانها و رشد همه جانبه و
آزاد آدمیانست ؛

روشن بینی و شناخت حقیقت ، شهامت در راه دفاع
از ارزشهای انسانی ، پایه‌گزاری صحیح و علمی فردای
کشور ، احترام به زندگی و خوشبختی جوانان و آماده
ساختن آنان برای همگامی با پیشرفته‌ترین ملت‌های بزرگ
جهان و بالاخره تأمین سعادت آئینه آنان ، در رأس
هدفهای انقلاب قرار دارند ؛

در این انقلاب ، ساختمان مدارس و مؤسسات
آموزشی گوناگون ، گسترش دانشگاهها ، ترویج علوم-
آموزش همگانی، آموزش عملی، توسعه آموزش سمعی و
بصری، پیشبرد تحقیقات و توجه به فرهنگ اصیل ملی بایه‌های
استوار و حیاتی برنامه‌های فرهنگی و انقلاب آموزشی را
تشکیل می‌دهند که همه و همه برای هموار ساختن راههای
خوشبختی جوانان و ترقی و تعالی میهن عزیز ماست ؛
يك نظر اجمالی به نتایج فعالیتهای معموله در زمینه
تحقق اصول و هدفهای انقلاب این نوید را به مامی دهد که

عقب افتادگیهای گذشته بسرعت جبران خواهد شد ؛ موفقیت ، سعادت و کامیابی در انتظار جوانان ماست و ایران بزرگ با برخورداری از یک رهبری مدبرانه و دوراندیشانه ، به پیشرفتهای درخشان نایل خواهد آمد ؛ آری ، دیری نخواهد گذشت که میهن پرافتخار ما ، بدانسان که فیلیپ دوسن معاون اوتانت و یکی از بزرگترین مسئولان اقتصادی سازمان ملل متحد گفته اند ، «نه تنها ژاپن دوم آسیا خواهد شد بلکه با پیشرفتهای مداومی که در زمینه های فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی نصیب ایران می گردد بزودی سرمشق زنده ای برای سایر کشورهای آسیائی بشمار خواهد رفت. - »

نقش ایرانی در انقلاب آموزشی

«... معتقدیم که هرچه می شود باید با توجه به شرایط خاص این مملکت و با عقل ایرانی انجام گیرد و هرطرحی که ریخته می شود با فکر ایرانی و بخاطر رفاه و سعادت ایرانیان باشد ؛ در این انقلاب آموزشی نیز همین اصول مقدس است که باید همواره مد نظر مجریان آن قرار گیرد و حس مسئولیت در آنها ایجاد کند.»
(از سخنان شاهنشاه آریامهر در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر)

انقلاب آموزشی ایران ، بخودی خود یکی از پایه های اساسی پیشرفت اجتماع ما را تشکیل می دهد و طرحهایی که متضمن تحقق هدفهای انقلاب میباشد. کلا بر مبنای نیازمندیهای ملی و بخاطر تأمین سعادت آتی ایرانیان و عظمت و اعتلاء کشور پی ریزی شده است ؛ اما موفقیت در اجرای این طرحها ، منوط به اینست که یکایک افراد

ملت نسبت به هدفهای انقلاب احساس مسئولیت کنند و خود در نتایج آن شریک و سهیم بدانند ؛
 بهمین سبب است که رهبر عالیقدر ایران ، برای ساختن آینده‌ای شکوفان و تابناک ، لزوم تشریک مساعی صمیمانه و همکاری مداوم تمام طبقات و قشرهای اجتماع را در پیشبرد اصول و هدفهای انقلاب توصیه فرموده‌اند، زیرا در چنین صورتی، تلاش عظیم و همگانی و همکاری و هماهنگی افراد اجتماع، نتایج بسیار ثمربخش و ارزنده‌ای به بار خواهد آورد و میهن پر افتخار ما فرو شکوه دیرین خود را باز خواهد یافت .

شاهنشاه آریامهر پرچمدار انقلاب آموزشی

« فراموش نکنید که بخاطر تأمین آینده‌ای درخشان برای فرزندان این مملکت و پیوندی که مرا با جوانان و مخصوصاً دانشگاهیان و دانش پژوهان و وطنپرست این کشور متصل می‌دارد، من شخصاً مراقبت خواهم کرد که این انقلاب از هر جهت پیروز شود و هر مانعی در راه آن مرتفع گردد.»

(برگزیده‌ای از بیانات شاهنشاه آریامهر در اولین کنفرانس انقلاب آموزشی)

بگفته جامعه‌شناس فرانسوی «دورکهایم» Durkheim آموزش و پرورش قبل از هر چیز وسیله‌ایست که از آن راه ، اجتماع شرایط موجودیت خاص خود را تجدید می‌کند ؛ باز از نظر «هاربی سون» Hardisson اقتصاددان امریکائی ، «آموزش و پرورش کلیدیست که درها را بسوی نو سازی ملی می‌گشاید.» در دنیائی که

برق آسا به پیش می‌رود و ارزشهای مادی و معنوی را
 بسرعت تغییر می‌دهد طبیعی است که دانشگاه یا به تعبیر
 منشور انقلاب آموزشی «مهمترین کانون پرورش علم
 و فرهنگ ملتها» باید نقش پیشقدم را در هدایت و جهت‌یابی
 این تغییرات عهده‌دار گردد؛ تنها در محیط اصیل و بیطرفانه
 دانشگاه است که استاد و دانشجو می‌توانند خارج از
 تضادهای مادی و معنوی جهان خارج، به بررسی و
 ارزشهای موجود و به کشف و دفاع از ارزشهای نو
 پردازند و برای پیشبرد هدفهای ملی و نیل به مدارج
 ترقی، طرحهای اصیلی تنظیم و موجبات ترقی و تعالی کشور را
 فراهم سازند:

باز بحکم آنکه، طرحها و برنامه‌های مربوط به
 کلیه پیشرفتها و موقیتهای ملی و اجتماعی در دانشگاه
 پی‌ریزی می‌شود و تکمیل و تجهیز و توسعه چنین
 مؤسسه‌ای حائز کمال اهمیت است، از این رو علاقه‌وافر
 شاهنشاه آریامهر به ترقی سریع کشور از یک طرف و
 تأمین آینده‌ای درخشان و شکوفان برای جوانان این
 مملکت از سوی دیگر، باعث آن گشته که مانند همیشه
 در نقش یک پیشوای دلسوز و فداکار، شخصاً پرچمدار
 این نهضت عظیم فرهنگی و انقلاب ثمربخش و مقدس
 آموزش عالی شوند و با عزمی متین و استوار و بادیدی
 وسیع و انقلابی نیازهای دانشگاهها را با حداکثر سرعت
 تأمین و موانع موجود را مرتفع ساخته و به هدفهای
 بزرگ انقلاب و آرمانهای ملی جامعه عمل پیوشانند تا با

تربیت جوانانی بیدار و آگاه و کاردان و دانا پایه‌گذاری
آینده ایران براساسی محکم و استوار انجام گیرد و اجتماع
مترقی و پیشرفته‌ای به وجود آید که همه افراد آن با
خوشبختی و سرفرازی در کنار یکدیگر به زندگی افتخار
آمیزی ادامه دهند. - آری :

«چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار»

برنامه ریزی دانشگاهی

« برنامه ریزی که در سطح دانشگاه می‌کنیم باید کامل باشد، به
این معنی که فردا بچه‌ها وسیله لازم و کافی داشته باشند که از دامن
مادر و دبستان و دوره راهنمایی (اریاتناسیون Orientation)
که من به آن هنوز خیلی معتقد هستم راه و استعداد خودشانرا پیدا
کنند تا بر مراحل عالی آموزشی برسند و بتوانند برای مملکت افراد
مفیدی بار بیایند . »

(برگزیده‌ای از سخنان شاهنشاه آریامهر در دومین کنفرانس
ارزیابی انقلاب آموزشی)

موضوع برنامه ریزی یکی از مهمترین مسائلی است
که بالهام از اندیشه‌های تابناک رهبر عالیقدر ملت ایران
جزو اصول منشور انقلاب آموزشی منظور شده و طی
آن تصریح گردیده که در دانشگاهها و موسسات آموزش
عالی باید واحدهای مجهز طرح و برنامه تشکیل و یا
واحدهای موجود توسعه یابند ؛

اما نکاتی که در برنامه ریزی دانشگاهی باید مورد
توجه قرار گیرد اینست که در وهله اول قابلیت انعطاف
برنامه‌ها رعایت و درعین حال مراقبت شود که برنامه‌ریزی

دانشگاهها ناظر بر برنامه ریزی تعلیمات متوسطه نیز باشد؛ زیرا آموزش متوسطه و عالی از یکطرف و تعلیمات ابتدائی و دبیرستانی از سوی دیگر با هم پیوند ناگسستنی دارند؛ خوشبختانه با تغییراتی که در برنامه‌های تحصیلی مدارس ابتدائی و متوسطه و مخصوصاً در جهت تشکیل دورهٔ راهنمایی داده شده، تشخیص و هدایت و تقویت استعدادهای افراد به طرز صحیح و علمی امکان پذیر خواهد شد و هر یک از محصلین در رشته‌هایی مشغول تحصیل خواهند شد که ذوق و استعداد و شایستگی لازم برای ادامهٔ تحصیل در رشته‌های مزبور را داشته باشند و اجرای این برنامه‌ها بدون تردید در امر تحقق و پیشبرد هدفهای دانشگاهی تأثیر بسیار مطلوبی خواهد بخشید.

بدیهی است در برنامه ریزی آموزشی، ارتقاء سطح کیفی برنامه‌ها و بهبود روش تدریس و نوسازی محتوای دروس نیز باید مورد نظر باشد؛ باز همچنانچه در متن منشور انقلاب آموزشی اشاره شده است توجه به جنبه‌های فرهنگی و معنوی آموزش و پرورش و ایجاد محیط زنده و فعال فرهنگی در دانشگاهها و تدریس مسائل مربوط به تاریخ و میراث فرهنگی و مسائل روز و تحولات کشور حائز کمال اهمیت است زیرا هدف نهائی آموزش، تربیت افرادیست که غیر از تخصص در علوم و فنون مختلف، دارای شخصیت و سجایای مطلوب و بهره‌مند از مظاهر فرهنگ ملی و آگاه به وضع و موقع

کشور خود در جهان امروز باشند . -

وسایل و امکانات

«... آنچه مورد توجه است اینست که يك دانشگاه بهرحال از وسایل کار لازم و امکانات کافی برخوردار باشد ، و سطح آموزشی آن هیچگاه از میزان معینی که باید برای ماقابل قبول باشد پائین نیاید . - »
(برگزیده‌ای از سخنان شاهنشاه آریامهر در دومین کنفرانس انقلاب آموزشی)

اصولی که براساس منشور انقلاب آموزشی باید در دانشگاهها رعایت شود ، مشتمل بر کلیه مسائل و مطالبی است که پیشرفت کمی و کیفی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را امکان‌پذیر سازد ؛ تأمین کادر آموزشی مناسب ، تهیه وسایل علمی و تجهیزاتی و گسترش برنامه‌های تحقیقاتی در رأس این اصول قرار دارند که با اجرای آنها ، نتایج ارزنده و ثمربخشی از آموزش و پرورش و شکوفا ساختن کامل شخصیت و استعداد دانشجویان بدست خواهد آمد و سطح آموزش آنان از لحاظ کیفیت به درجه رضایت بخشی خواهد رسید:

بطور کلی یکی از نکات بسیار مهم انقلاب آموزشی که برحساسترین مسائل دانشگاهی تکیه می‌کند اینست که کیفیت تعلیمات و تحقیقات را نباید فدای کمیت کرد و دانشگاه را به کارخانه دیپلم‌سازی مبدل ساخت بلکه باید از هروسیله‌ای حداکثر استفاده را بمنظور نیل به هدفهای موجود بعمل آورد وهمچنانچه شاهنشاه

آریامهر اشاره فرموده‌اند باید به اقداماتی دست زد که سطح معلومات و اطلاعات علمی دانشجویان هیچگاه از میزان معینی که برای ما قابل قبول باشد تنزل نکند و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از حیث فضل و دانش و تسلط به علوم و فنون مختلف در سطوح مشابه با فارغ‌التحصیلان پیشرفته‌ترین دانشگاههای کشورهای متقدم جهان، برابری کنند. -

تورم کادر اداری

« یکی دیگر مسأله زیاد بودن و تورم کادر اداریست که به اصطلاح قرطاس بازی هم می‌شود، ولی اگر بشود که کارمندان زاید پخش بشوند، سازمانهایی که کارمند کم دارند پر می‌شوند؛ بعلاوه بودجه‌ای که صرفه‌جویی می‌شود می‌توان به مصارف دیگری رساند که بیشتر به درد بخورد. »

(از سخنان شاهنشاه آریامهر در دومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی)

وجود کارمندزاید در مؤسسات دولتی، از مدتها پیش، مشکلات فراوانی در امور سازمانهای مربوط ایجاد کرده و علاوه بر زیانهای که از لحاظ مالی متوجه بودجه کشور ساخته است، بطوء جریانات اداری را نیز سبب گردیده و به خودی خود در تکثیر مکاتبات و توسعه اصول بوروکراسی تأثیر فراوانی بخشیده است. -

بهرحال تراکم تعداد کارمند، خاصه در دورانی که مملکت در جهت ترقی و پیشرفت گام برمیدارد، از لحاظ ایجاد رکود در دستگاههای دولتی، یکی از

مهمترین مسائلی بود که می‌بایستی هرچه زودتر با اسلوب صحیحی حل شود و بحرانی که از این راه در سازمانهای دولتی به وجود آمده است، برای همیشه از میان برود؛ به حکم این ضرورت، شاهنشاه آریامهر پیشوای خردمند ایران، در یکی از جلسات کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی به این موضوع مهم اشاره فرموده و در تعقیب اصولی که در زمینه انقلاب اداری ارائه گردیده برای جلوگیری از تورم کادر اداری و برانداختن روش قرطاس بازی، اوامر مؤکدی صادر فرمودند که همگام با اجرای سایر مواد و مفاهیم انقلاب آموزش عالی اقدامات مؤثری نیز در این زمینه صورت گرفت و مسلماً با اجرای کلیه تصمیماتی که در این باره اتخاذ شده است، از رکود کارها، به مقیاس وسیعی کاسته خواهد شد، بالاتر از همه اعتباراتی که از این حیث صرفه جوئی می‌شود به مصرف توسعه و تجهیز دانشگاهها و مؤسسات عالی کشور و رفع نقایص موجود و بالاخره پیشبرد فعالیتهای تحقیقاتی خواهد رسید.

